تاریخ سی ساله ایران

نوشته

ب - جزنی

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

2618769

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

تاریخ سی ساله ایران

نوشته :

ب ـ جزنی

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

موقعیت عمومی جنبش انقلابی ایران

مقدمتاً" باید با پروسه های اقتصادی و تولیدی جامعهٔ ایران آشنا شد و ویژگیهای نظام سرمایه داری وابسته ، عوامل زیربنایی و وابستگی ایران به انحصارات امپریالیستی و خصوصیات بورژوازی وابسته به طبقه حاکمه را مورد بررسی قرار داد که نتیجهٔ این بررسیها شناخت مسیرحرکت فعلی جامعه است .

این شناخت به ما امکان میدهد پدیده های اجتماعی و سیاسی را عمیق تر درک کرده‌و مسیر حرکت جنبش را براساس آن تعیین‌کنیم . بنیاد استراتژی جنبش‌را ،این حرکت‌عمیق اجتماعی تشکیل میدهددر این حرکت است که نیروهای رشد یابنده تکامل یافته بر نیروهای زوال یابنده غلبه میکنند .

اگر استراتژی جنبش انقلابی از جهت حرکت جامعه و ویژگیهای آن جدا بماند با گذشت زمان و تکامل پروسه های اجتماعی و اقتصادی جنبش هر روز نیروهای خود را بیشتر از دست میدهد و بر عکس اگر استراتژی مبتنی براین حرکت باشد حرکت ناآگاهانه جامعه و حتی تمام کوششهای آگاهانه طبقه‌حاکم درزمینه پروسه های تولیدی و اقتصادی به قدرت جنبش میافزاید . این شناخت همچنین‌بما اجازه میدهد که ازغرق شدن در مسائل تاکتیکی صرف پرهیز کرده‌و با بینشی عمیق و طولانی خط مشی جنبش رادر مراحل مختلف تعیین کنیم از آن پس باید نخست موقعیت عمومی جنبش را بشناسیم و پروسه های اجتماعی و سیاسی را که در گذشته نزدیک روی داده جمعبندی کنیم .کیفیت سازمانهای مبارز قبلی را بررسی کنیم و سرانجام ویژگیهای فرهنگی ، روحیه ، عادات و مسائل توده ها را بشناسیم .

همچنین موقعیت دستگاه حاکمه شیوه های اداری پلیس و نقش عوامل خارجی حاکم در ایران را بررسی کرده و موضع گیری عوامل مترقی جهانی درایران را تعیین کنیم .

سپس باید آنچه را که درجهان می‌گذرد جمعبندی کنیم . موقعیت جنبش‌کارگری و جنبش رهائی بخش رادر جهان وویژگیهای جنبشهای منطقه رابشناسیم و سرانجام پس از تعیین ویژگیهای ایدئولوژیک جنبش و تعیین تضادهای جامعه و نیروهای انقلابی و کم و کیف آنها استراتژی عمومی جنبش‌انقلابی و مراحل آن تعیین شود . آگاهی براین استراتژی بر تمام نیروهای مبارز واجب است . در پروسهٔ طولانی انقلاب شناخت عمیق این استراتژی است که میتواندجنبش‌را از انحراف در مراحل مختلف باز داشته

و در پیچ و خمهای عمل و در برخورد با واقعیت از گمراهی مصون دارد اگر در شناخت پروسه های اجتماعی . اقتصادی و تعیین مبانی ایدئولوژیک جنبش مرتکب اشتباه شویم . با پرداخت بهائی سنگین و پذیرفتن واقعیت عین است که موفق به تصحیح مسیر خود می‌شویم .

در این بخش موقعیت سیاسی ایران را بررسی می‌کنیم این موقعیت را دارم فصل مورد مطالعه قرارمیدهیم :

در فصل اول مبارزات گذشته را در سده اخیر جمعبندی میکنیم این فصل شامل فعالیتهای حزب توده جبهه ملی ، فعالیتهای پراکنده و جبهه ملی‌دوم میشود .

در فصل دوم موقعیت‌نیروها وسازمانها را دررستاخیز سیاهکل بررسی میکنیم .

در فصل سوم موقعیت دستگاه حاکمه ، شیوه های حکومتی آن و نقش عوامل موءثر جهانی در ایران را مطالعه می‌کنیم .

فصل اول

جمعبندی مبارزات گذشته

مبارزات امروز ما نه فقط به دلیل اینکه با پروسه ای اقتصادی و اجتماعی معین سروکار دارد که طی قرنها رشد کرده (بخصوص ویژگیهای آنها در دهه های اخیر مورد توجه است) وامروز نیز ادامه دارد. بلکه به این دلیل که پروسه های سیاسی گذشته نزدیک، بدون واسطه در پروسه های امروز اثر میگذارد با مبارزات گذشته بستگی دارد. تحلیل همه جانبه مبارزات گذشته وظیفه ایست که انجام آن در مقابل جنبش انقلابی قرار دارد و از جمله نیازهای تئوریک مبرم جنبش است ولی این وظیفه با طرح این نوشته مغایر است لذا جمعبندی مبارزات گذشته مطرح میشود.

حزت توده و جنبش کارگری

حزب توده در مهر ۱۳۲۰ بدنبال تشکیل مجمعی از روشنفکران رسما " تاءسیس شد. هسته اصلی این مجمع عده‌ای از گروه معروف به ۵۳ نفر بودند. گروه ۵۳ نفر تنها جریان مارکسیستی قبل از شهریور ۱۳۲۰ نیست در سال ۱۹۲۱ در انزلی حزب کمو نیست ایران تشکیل شد. (۱) این حزب در دولت کوچک خان جنگلی و ارتش بلژیکی در رشت و بازار انگلیسیها شرکت کرده‌و باشکست جنبش‌جنگل و برقراری دکتاتوری‌رضاخانی " حزب کمونیست به فعالیت مخفی دست زد ودر سال ۱۳۱۰ عده ای از اعضای آن بازداشت شدند و پس‌از تصویب قانون ممنوعیت مرام اشتراکی (کمونیستی) محاکمه شدند.

---

(۱) حزب کمونیست ایران به فرمان انترناسیونال‌سوم در ۱۹۲۱پس از ورود ارتش سرخ به‌رشت درانزلی تشکیل شد. موءسسین این حزب قبلا " عضو حزب عدالت بودند که مرکز آن در باکو بود. از جمله موءسسین حزب پیشه وری، حیدر عمو اوغلو، احسان الله خان، آوانسیان جودت‌و بعدها کامبخش، دکتر جاوید ودیگران بودند که در تشکیل حزت توده شرکت داشتند. (پیشه وری‌در سال۲۴ فرقه‌دمکرات آذربایجان را تشکیل داد.)

گروه ۵۳ نفر (۱) یک محفل مارکسیستی بود که مطالعه و انتشار جهان بینی مادی (ماتریالیستی) را هدف قرار داده بود واغلب افراد این گروه در خارج از ایران با مارکسیسم آشنا شده بودند . تماس این گروه با عده‌ای از عناصر کارگر به منزله دست زدن به مبارزات کارگری به حساب نمی‌آید .

اکثریت قاطع این گروه روشنفکرانی بودند که اغلب از خانواده های میانه حال خود و بورژوازی بیرون آمده بودند (در بین اینها تعدادی از خانواده های مرفه و اشرافی بیرون آمده بودند) گروه ۵۳ نفر در شرایط اختناق رضاخانی دارای یک خط مشی معین که رشد و تکامل گروه و پرداخت به مبارزات عمومی و توده ای را در بر داشته باشد ، نبود .

درشهریور ۱۳۲۰ عده‌ای از این گروه‌هنوز در زندان بودند و با ورود ارتش سرخ به ایران آزاد شدند و هسته اصلی حزب توده را تشکیل دادند در آغاز تشکیل حزب توده مهمترین کمبود کم تجربگی رهبران و موسسان این حزب بود که خود ناشی از نداشتن گذشته مبارزاتی و فقدان جنبشهای سیاسی طبقه کارگر و محدودیت محفلهای مارکسیستی در دوره اختناق بود . این کمبود پایه و اساس بسیاری از کج روی ها و کمبودهای دیگر است . اگر موسسان حزب توده در سالهای قبل در جریان مبارزه پرورش یافته و در

---

(۱) گروه ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۴ به رهبری تقی ارانی تشکیل شد ، که در سال ۱۳۱۶ بازداشت شد ، ارانی مغز متفکر گروه و عنصر صادق کمونیست پس از دفاع از اعتقادات خود و حمله به رژیم در دادگاه سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ در زندان به شهادت رسید سپس از تشکیل حزب توده روز شهادت او به نام روز شهدا انتخاب شد .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

جریان عمل تصفیه می‌شدند و تجربهٔ انقلابی آموخته بودند ، اگر آنها در جریان مبارزه ویژگیهای جامعهٔ خود را به درستی می‌شناختند .و اگر مقابله دائمی با دشمن طبقاتی و استعمار به آنان شخصیت انقلابی بخشیده بوداز همان آغاز میتوانستند علیرغم عوامل خارجی یک خط مشی صحیح در پیش گیرند ، این کمبود که خود ناشی از رشدنایافتگی طبقه کارگر و بی تجربگی روشنفکران انقلابی بود ، پایه‌و اساس تحلیلی‌است که از خصوصیات رهبری حزب توده به عمل می‌آید .

حزب توده برای فعالیت خود قالب قانون اساسی را در نظر گرفت و از یک‌برنامهٔ نسبتا " دموکراتیک جانبداری کرد . مهمترین دلایل موٴسسان حزب در اعلام نکردن مرامنامه های مترقی اند این قرار بود :

۱ـ عقب ماندگی جامعه و عدم آمادگی توده ها ، برای پذیرفتن یک برنامه مترقی تر

۲ـ رعایت مصالح شوروی در جنگ و نیاز به حسن رابطه با متفقین که نسبت به تشکیل یک حزب‌کمونیست ، مستقیم و یا توسط عوامل خود، عکس العمل نشان میدادند .

۳ـ ممنوع بودن‌حزب کمونیست در قانون مجازات عمومی ایران (۱)مهم ترین اشتباهات حزب توده در آغاز عبارتند از :

---

(۱) ـ برای آشنایی با گروه ۵۳ نفر و برنامه حزب توده کتابهای : ۵۳نفر نوشته بزرگ علوی ، دفاعیات ارانی ، حزب توده ایران چه میگوید و چه میخواهد ، مرامنامه و اساسنامهٔ حزب توده مطالعه شود ، حزب توده

دنباله در صفحه بعد

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

۱ــ غفلت نسبت به مبارزه ضد امپریالیستی و بی اعتنائی به احساسات توده ها نسبت به امپریالیزم انگلیس

۲ــ تبعیت بی قید و شرط از سیاست شوروی و اشراف از انترناسیونالیزم پورلتری .

در ارتکاب اشتباه اول این عوامل دخالت داشتند :

۱ــ عدم شناخت اهمیت مبارزه ضد امپریالیستی از جانب رهبری حزب توده

۲ــ بی توجهی جنبش کارگری جهان ، زیر رهبری شوروی نسبت به جنبش های رهائی بخش ملی .

۳ــ مصالح شوروی در جنگ دوم ایجاب میکرد که بخصوص در سالهای اول جنگ . همکاری با انگلستان و آمریکا خللی نبینند امپریالیزم انگلیس به مثابه امپریالیزم حاکم در ایران متحد شوروی محسوب میشد و مقابله با آن مغایر مصالح شوروی بود تبعیت حزب توده از شوروی و عدم توجه به مسئولیت سنگین خود ، در بعهده گرفتن رسالت رهبری جنبش رهائی

دنباله از صفحه قبل

در برنامه خود این مطالب را گنجانده بود : ۱ ــ تائید مشروطیت ایران و قانون اساسی . ۲ ــ دفاع از دموکراسی و آزادیهای اجتماعی و سیاسی در اولین برنامه ، از اصلاحات ارضی هم یاد شده بود .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

بخش. او را به انحراف کشاند (۱)

در ایجاد رابطهٔ غلط با شوروی عوامل‌زیر موءثر بشود:

۱ـ فقدان تجارب و شخصیت‌انقلابی دررهبری حزب (همانطور که قبلا" یاد شد).

۲ـ حاکمیت مشی استالین در جنبش جهانی که بصورت تبعیت بی قید و شرط احزاب برادر از حزب کمونیست شوروی ظاهر میشد. این عامل دوم دست به دست‌عامل اول‌داد و رهبری‌بی تجربه حزب توده را به پیروی کورکورانه از حزب و دولت شوروی کشاند. تجارب جنبشهای جهانی نشان میدهدکه‌رهبران‌انقلابی دیگراحزاب‌کمونیست. علیرغم مشکلاتی که از مشی استالین ناشی میشد، توانستند خودرا ازپیروی بی قید و شرط رهبری شوروی رها سازند و خط مشی خود را علیرغم مخالفت پنهانی و یا ظاهری اتحاد شوروی، دنبال کنند.

۳ـ در ایران مشی استالین با نیروی مضاعفی‌همراه‌بود. وجود حزب توده و سرنگون شدن دستگاه‌دیکتاتوری‌رضاخانی‌نه‌با قدرت توده‌ها (یعنی تکامل ٕ رشد عوامل‌درونی ودینامیکی جامعه) بلکه‌با ضربهٔ مکانیکی ناشی‌از جنگ دوم (یعنی اشغال نظامی ایران) بدست آمد وجود ارتش سرخ عامل موءثری‌در وابستگی بیش‌از حد حزب توده به‌دولت شوروی بود.

---

(۱) ـ حزب‌توده از گسترش خود درخوزستان تا سال ۲۳ خودداری کرد و اتحادیهٔ کارگران‌نفت راپس ازپایان جنگ به مبارزه کشاند و در سال ۲۵ اعتصاب خونین کارگران نفت را رهبری کرد.

غفلت از مبارزهٔ ضد امپریالیستی و تبعیت کورکورانه از اتحاد شوروی. کار را به آنجا کشاند که حزب توده در مهرماه سال ۱۳۲۳ به پشتیبانی از پیشنهاد شوروی برای کسب امتیاز نفت، در جلو مجلس "چهاردهم" دست به تظاهرات زدند و نمایندگان عضو فراکسیون حزب توده با رسوائی از این پیشنهاد حمایت کردند. (مسبب رسوایی فقط ماهیت پیشنهاد شوروی که مغایر با صلح و سوسیالیزم و همزیستی لنینی، بود، نیست، بلکه این است که همین نمایندگان چندی پیش در همان مجلس با پیشنهاد استاندارد اویل آمریکا صریحا" مخالفت کردند و ایران را واجد صلاحیت برای استخراج نفت خود اعلام کرده بودند و حال ناچارا" حرف خود را پس گرفتند.)

حزب توده طی سالهای ۲۰ تا ۲۴ فعالیتهای خود را صرف امور زیرکرد:

۱ ــ تشکیل اتحادیه های کارگری و نفوذ در این اتحادیه ها نتیجه فعالیت حزب توده در این زمینه در سال ۱۳۲۲ در صورت تشکیل "شورای متحده مرکزی کاگران" ظاهرا شد و کلیه اتحادیه های کارگری را زیر این عنوان متحد کرد.

۲ ــ جذب عناصر روشنفکرو خرده بورژوازی بطور کلی به حزب و آشنا ساختن اعضای فعال خود با جهان بینی مارکسیستی بخصوص بصورت تبلیغ عقاید سوسیالیستی بین آنها.

۳ ــ همکاری با عناصر لیبرال و ظاهرا" لیبرال در زمینه مبارزه با دیکتاتوری و تمایلات فاشیستی که قبل از جنگ و در سالهای اول جنگ (پس از اشغال) در ایران بچشم میخورد.

شعار های حزب توده در این سالها: نان، فرهنگ، بهداشت کار

برای همه و افشاگری او رژیم اختناق رضاخانی و مبارزه با عناصر دردست راستی (مثل سید ضیا) بود ، سقوط دیکتاتوری رضاخانی ومسائل اقتصادی ـ اجتماعی ناشی از جنگ و ورود متفقین که بصورت قحطی (۱) ، بیکاری (ده هزار مهاجر از روستاها به شهرها از جمله تهران روی آورده بودند که برای آنها کار و نان وجود نداشت) گرانی ، تیفوس و تورم شدید ظاهر شده بود ، برای جلب نیروهای زحمتکش بسوی حزب توده . زمینهٔ مساعدی فراهم ساخته بود . طی این سالها طبقه کارگر ایران داشت اولین تجارب جدی خود را فرا میگرفت و همبستگی طبقاتی پیدا میکرد .

قطع فشار دستگاه مشکلات اقتصادی برای خانواده‌های معمولی شهرها موجب نارضائی روشفکران و توده بورژوازی نیز شده بود و این عوامل علیرغم اشتباهات اساسی حزب توده ، نیروهای عظیمی را بسوی آن کشاند ، شعارهای حزب توده که در چهار چوب یک برنامه دموکراتیک مطرح می شد ، آنقدرها ، آشکار کننده ماهیت حزب نبود تا روابط آن با شوروی بمثابه اولین دولت کارگری و سوسیالیستی جهان . تائید متقابل حزب توده و دولت شوروی بمنزلهٔ تائید کمونیزم و پذیرفتن یک برنامهٔ سوسیالیستی از جانب حزب توده تلقی میشد . حزب توده بخصوص در ایالات شمالی که در اشغال ارتش سرخ بود با سرعت بیشتری گسترش یافت . در مرکز نیز حزب از حمایت وسیعی

---

(۱) در هفده آذرماه ۱۳۲۱ مردم تهران بر اثر قحطی نان و دیگر مواد غذایی دست به شورش زدند . شورش با تظاهرات دانش آموزان دار الفنون شروع شد و بسرعت گسترش یافت مغازه ها غارت شد . در جلو مجلس به ضرب گلوله مردم را سرکوب کردند و بلافاصله حکومت نظامی برقرار شد .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

برخوردار بود . در شمال بخصوص در سال آخر جنگ و یک سال پس از آن خوب و شورای متحده مرکزی تبدیل به نیمه حکومتهائی شده بودند .

فرقه دمکرات آذربایجان

با طلیعهٔ پایان جنگ، جبهه متحد شوروی و متفقین روبه متلاشی شدن گذاشت . برخوردهای حزب توده بادولت به‌موازات آن شدیدترشد . تا پایان جنگ مساله خروج ارتشهای خارجی پیش‌آمد و شوروی تمایل به خارج شدن از ایران نشان نداد . در شهریور ۱۳۲۴ ایران تقاضای تخلیهٔ نیروهای خارجی را کرد و درآبان ماه نیروهای آمریکائی برای ندادن‌بهانه به شوروی از ایران خارج شدند .

دولت شوروی که می‌دانست‌نمیتواند در ایران بماندر شهریور ۱۳۲۴ بدست پیشه وری و همکارانش فرقه دمکرات آذربایجان را تشکیل داد . خواسته های فرقه دموکرات در اول کار عبارت بود از :

۱ ــ تدریس زبان مادری (آنادیلی) .

۲ ــ تشکیل انجمن ایالتی آذربایجان .

۳ ــ اضافه شدن تعداد نمایندگان آذربایجان در مجلس .

۴ ــ تخصیص ۷۵٪ از درآمد آذربایجان‌برای مصرف‌خود این ایالت .

قبل از تشکیل فرقه در آذربایجان ، جنبشهای چپی وجود داشت که مهمترین جنبش معروف به پارتن ها" است . این جنبش در سالهای ۲۱ تا۲۴ در سراب و قره داغ جریان یافت . جانشین " غلام یحیی " از جمله رهبران این جریان بودند . پارتن ها با پشتیبانی جدی‌شوروی روبرو شدند و عده‌ای از آنها بازداشت شدند در سال ۲۳ پارتن ها در زندان‌شورش کردند . پس از حکومت فرقه زندانیان مربوط به این جنبش با عده‌ای از

دولتی‌هایی که بازداشت شده بودند معاوضه شدند. همچنین غلامحسین خلف یوز باشی در اطراف مراغه مسلح شده‌بود و تا چند صد سوار مسلح داشت، که عده‌ای از آنها کرد بودند. این عده انبار مالکان را مصادره میکردند. در سال ۱۳۲۱ این عده (بناب ـ آذرشهر ـ مراغه) رامورد حمله قرار دادند. اینها با شوروی ها همکاری نمیکردند طی سالهای جنگ شوروی به حفظ امنیت منطقه اهمیت زیادی میداد و مانع گسترش جنبشها می‌شد. جنبشهای کوچک تری نیز وجود داشت که نیاز به ذکر آنها نیست حزب توده مانند دیگر ایالات اشغالی ارتش سرخ در آذربایجان فعالیت زیادی داشت ودر تبریز کمیتهٔ ایالتی داشت و در شهر و روستاهای پیرامون آنها نفوذ کرده بود. علاوه براین در همان آغاز ورود ارتش سرخ "انجمن آذربایجان" تشکیل شد که با پیشه وری تماس داشت (پیشه وری در آن موقع مدیر روزنامه آژیر در تهران بود.) در تشکیل فرقه از صد نفر رجال سرشناس و آزادیخواهان قدیمی استفاده کرده و اعلامیه هایش را به امضای آنها رساند پس از اعلام موجودیت فرقه "کمیته ایالتی حزب توده در تبریز پس از بیست روز بدون کسب اجازه به فرقه پیوست و خودرا منحل کرد.

تشکیل فرقه و انحلال کمیته حزب توده رهبران حزب توده را غافلگیر کرد و موجب بروز اختلافاتی بین آنها و فرقه شد و سرانجام پس از اعزام یک‌هیئت رسیدگی‌سه نفری (خلیل ملکی، شاندرمنی و یک نفر دیگر) با وساطت‌و حاکمیت‌شوروی ها اختلاف بسودفرقه‌حل شد. "میرجعفر باقراف" نخست وزیر آذربایجان شوروی از تشکیل فرقه و ایجاد حکومت خود مختار در آذربایجان بشدت حمایت کرد و تمایلات برای پیوستن دو آذربایجان را دامن زد. فرقهٔ دموکرات ظرف سه ماه، سازمان های خود را تشکیل

داد و بعدا" تقاضای تشکیل مجلس موءسسات را کرد .

فرقه سرانجام فرمان‌انتخاب انجمن ایالتی را داد (در این انتخابات به زنان نیز حق رای داده شد) در آبان ۲۴ ضمن انتخابات که از طرف مرکز غیر قانونی اعلام شده بود پاسگاه های ژاندارمری مورد هجوم قرار گرفت و سرانجام پادگان های میانه . زنجان و سایر شهرهای نزدیک به مرکز خلع سلاح شد . دولت‌مرکزی برای سرکوب ، نیرو فرستاد که از جانب ارتش سرخ در شریف آباد قزوین متوقف شد . در بیست آذر فرقه با کمک کارگران و روشنفکران که مسلح کرده بود . تبریزرا تصرف کرد و فرمانده پادگان دولتی شهر را تسلیم کرد در رضائیه نیز برخوردی روی‌داد که به شکست دولتی ها تمام شد . در ۲۱ آذر سال (۲۴) انجمن ایالتی تشکیل شد ، که‌نام خودرابه مجلس‌ملی آذربایجان تغییر داد و تشکیل دولت خود مختار آذربایجان را اعلام کرد . روز بعد پیشه وری کابینه خود را تشکیل داد معرفی کرد کابینه فقط فاقد وزیر خارجه نبود حزب توده که پشتیبانی خود را تائید کرده بود با تشکیل حکومت خود مختار دچار محظور شد و خود را از مساله‌کنار کشید . دولت مرکزی که از اعمال قدرت ارتش سرخ شدیدا" ناراحت بود . دردی ماه ۲۴ به سازمان ملل شکایت کرد شورای امنیت در فروردین سال ۲۵ رای به مذاکره طرفین برای توافق داد . در هفت بهمن قوام با برنامه کنار آمدن با شوروی ها و نشان دادن نرمش سرکار آمد و در آخر بهمن به شوروی مسافرت کرد . مسافرت قوام بیست روز به طول انجامید و باموفقیت‌به تهران بازگشت . قوام با استالین‌ومولوتف مذاکره کرده بود و در سه مورد به توافق رسیدند :

۱ ـ قرار داد نفت شمال تنظیم شد و موقتا" از جانب قوام امضاء

شد و تصویب آن به تشکیل مجلس پانزدهم موکول شد .

۲ ـ قرار شد که دولت ایران مسئله آذربایجان را از راه مسالمت آمیز حل کند و به نیروی نظامی متوسل نشود .

۳ ـ ارتش سرخ از ایران خارج شود . ضمنا " قوام قول داد که منافع شوروی را در تمام زمینه ها رعایت کند و با حزب توده همکاری نماید .

در اردیبهشت ۱۳۲۵ پیشه وری برای مذاکره به تهران میآید (۱) مظفر فیروز از جانب دولت به تبریز میرود ، مذاکرات فرقه با تهران به نتایج زیر میرسد :

۱ ـ در آذربایجان انجمن ایالتی رسمیت بیابد نه مجلس ملی

۲ ـ تدریس زبان مادری قبول میشود .

۳ ـ آذربایجان دولتی از خود نخواهد داشت و استاندار آذربایجان از جانب انجمن ایالتی به مرکز پیشنهاد میشود و مرکز بین دو نفر یکی را انتخاب میکند .

این توافق ها که با مشورت و توصیهء شوروی ها به عمل آمد عقب نشینی آشکاری برای فرقه بود . پس از آن تابلوهای وزارتخانه پائین آمد و سرانجام سلام الله جاوید بعنوان استاندار تبریز پیشنهاد شد و بعنوان

---

(۱) در این موقع در تهران جبهه دموکراتیک از حزب ایران و فرقه تشکیل شده بود و رهبران حزب ایران در ضیافتی که به افتخار پیشه وری و همراهانش برپا شده بود شرکت داشتند حزب توده در تفسیری که از همکاری خود با حزب ایران کرد آن را نماینده بورژوازی ملی اعلام کرد .

استاندار به تهران آمد و به این توافق ها رسید : (۱)

۱ ـ افسران ارتش که به فرقه پیوسته اند بعنوان افسر ارتش ایران در فرقه شناخته میشوند و فرمانده ارتش فرقه از مرکز و معاون او از انجمن ایالتی تعیین میشود . افسرانی که در ماجرای حمله به پادگان گنبد تحت فرماندهی سرهنگ نوائی و سرگرد اسکندانی در شهریور سال ۲۴ شرکت داشتند و به شوروی فرار کرده بودند ، به تبریز بازگشتند . (۲) بهر حال علاوه بر این عده تعدادی افراد ارتش وژاندارمری از مرکز و دیگر شهرها به آذربایجان رفتند و در اختیار فرقه بودند . علوی مقدم بعنوان فرمانده و پناهیان بعنوان معاون او انتخاب شدند .

۲ ـ فدائیان فرقه بنام نگهبان جانشین ژاندارم می‌شدند (فدائیان از اعضای فرقه و طرفداران آن در روستاها و قصبات تشکیل شده بودند و نیروئی بود که فرقه به کمک آن حکومت را بدست گرفت . تعداد این نیروها در پایان کار فرقه تا هشتاد هزار نفر ذکر شده است .) ارتش فرقه از داوطلبان خدمت وظیفه تشکیل شده بود .

۳ ـ توافق شد که زنجان به دولت مرکزی تحویل شود ولی در عوض

---

(۱) در تهران جاوید پیش شاه پذیرفته شد . حتی شاه صد هزار تومان از جیب خود بعنوان کمک به لوله کشی تبریز داد .

(۲) حمله به گنبد که در آن ۱۲ نفر از نفرات زیر دست آنها شرکت داشتند ، ظاهرا" بدون موافقت حزب توده و دولت شوروی به عمل آمده بود .

ناحیه جنوبی آذربایجان (تیکان تپه) به فرقه داده شد [۱] انتخابات مجلس پانزدهم نیز قرار شد انجام شود . پس از مذاکرات قوام در شوروی کابینه او ترمیم شد و سه نفر از رهبران حزب توده (یزدی ، اسکندری ، کشاورز) [۲] وارد کابینه شدند . حزب توده بیش از همیشه در مرکز وسایر شهرها قدرت یافته بود . در اول ماه مه ۱۳۲۵ بزرگترین نمایش کارگری در حضور هئیت و اعضای اعزامی از کنفدراسیون جهانی کارگران (سه نفر بودند که رئیس هیئت لوئی سایان دبیر فرانسوی کنفدراسیون بود) برگزار شد (حزب دموکرات قوام که اتحادیه های دولتی را تشکیل داده بود به نمایشهای مشابهی دست زد و این اتحادیه ها که به اتحادیه های زرد معروف شدند تقاضای عضویت در کنفدراسیون را داشتند ولی شورای متحده مرکزی به عضویت پذیرفته شد) .

در تیر ماه همین سال بود که اعتصاب کارگران نفت بر پا شد . در

---

(۱) در مذاکرات تهران مصالح حزب دموکرات کردستان وحکومت دموکرات کردستان نیز مطرح و در ازای زنجان صحبت گرفت ، سردشت و مستقر که در محاصره نیروهای کرد بود به میان آمد .

(۲) یزدی وزیر بهداری و کشاورز وزیر فرهنگ و اسکندری وزیر کار و پیشه و هنر بود . این نوع انتخاب با شعار دائمی حزب تودیی ارتباط نبود . (فرهنگ ، بهداشت ، کار) دستگاه میخواست در ضمن دست حزب توده را در پوست گردو بگذارد .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

خوزستان شرکت نفت حاکمیت مطلق داشت . مصباح فاطمی نوکر حلقه بگوش شرکت بود . حزب توده که دیگر محظور جنگ دوم را نداشت ، کارگران را تحریک و رهبری میکرد ، شرکت نفت از عناصر عرب و هندی برای تفرقه استفاده میکرد . اعراب نیمه عشیره ای مسلح شده و تهدید دائمی برای کارگران نفت بشمار میآمدند . در چنین زمینه‌ای اعتصاب با خواسته های زیر شروع شد :

عزل مصباح‌فاطمی استاندار . خلع سلاح عشایر ، عدم مداخله شرکت نفت در امور داخلی ایران ، پرداخت دستمزد روز جمعه و مزایای کارگری . اعتصاب در روز جمعه ۲۳ تیرماه آغاز تشبیه و بعد از ظهر بین کارگران و اعراب درگیری شد که با دخالت اعراب مسلح و نیروهای مسلح دولتی عده‌ای از کارگران کشته شدند .

ارتش سرخ در خرداد سال ۲۵ (با راحت شدن خیال شوروی ها)از ایران خارج شده و دستگاه حاکمه که چند ماه در معایشات گذراند در مهرماه سال ۲۵ عشایر قشقائی ادعای استقلال فارس را کردند و بوشهر رااشغال کردند ولی دولت با آنها مذاکره کرد . شورش جنوب ، عکس العملهایی بود به نیمه حکومت های فرقه دمکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان، مقارن شورش قشقائی ها ، کابینه ائتلافی سقوط کرد و وزرای حزب توده از دولت خارج شدند . روزنامه‌های حزب‌توده بنای انتقادرا از قوام گذاشتند . زمینه برای تهاجم به آذربایجان فراهم شد . آمریکا با اعزام " جر اکن " به ایران پشتیبانی خود را از لشکر کشی به آذربایجان اعلام داشت .

دولت بعنوان آماده کردن زمینهٔ انتخابات نیروی نظامی به آذربایجان گسیل داشت . از ۱۴ آذر ارتش حرکت کرد . دولت مرکزی مقارن حرکت

ارتش غرفه را با تبلیغات رادیوئی‌زیر فشار میگیرد و مردم را به طغیان بر ضد فرقه دعوت می‌کند. فرقه آذربایجان دچار التهاب میشود. نیروهای فدائی و هزاران نفر تقاضای پیوستن به ارتش و عملیات نظامی کردند. پیشه وری اعلام کرد، فرقه می‌جنگد و عقب نشینی نمی‌کند. در این‌فاصله دولت شوروی به‌فرقه اعلام می‌کند که نمیتواند از نیروهای فرقه حمایت نظامی کند و توصیه عقب‌نشینی رامیدهد. پس‌از اعلام نظر شوروی، کمیته مرکزی فرقه در مقابل دو راه حل قرار میگیرد:

۱ ـ توقف و پذیرفتن ارتش مرکزی و از دست دادن حکومت.

۲ ـ عقب نشینی به شوروی.

اخباری‌که از عملیات ارتش و نیروهای‌مسلح طرفدار دولت میرسید ماندن بمعنی پذیرفتن قتل عام بود. بنابراین عقب نشینی انجام شد. بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر به شوروی گریختند دولت‌که‌از چندی قبل عشایر را مسلح کرده (توسط ذوالفقاری ها و شفیق و بختیار ومانند آنها) و عناصر مخالف فرقه را بسیج کرده‌بود، اجازه داد که این نیروها در جلوی ارتش بقایای فرقه را قتل عام کنند. نیروهای ارتش سه روز درباسمنج شدند، قریب بیست نفر بودند که از آن جمله فریدون ابراهیمی دادستان تبریز در دوره فرقه بود.

نیروها و اقدامات فرقه:

فرقه از نیروی زحمتکشان شهری (که از قبل پیرامون حزب توده متشکل شده بودند) و در برخی نواحی از پیشتیبانی دهقانان برخوردار بود کارگران و روشنفکران طی یکسال حکومت فرقه از آن حمایت کردند ولی بورژوازی و قشرهای‌خرده‌بورژوازی (بخصوص کسبه که تحت تاءثیر روحانیون

بودند) مخالف فرقه بودندهر چندکه در تبریز و شهرها دست به اقدامات عمرانی از قبیل لوله کشی رادیو ، دانشگاه ومانند آن زد در روستاها اعلام کرد که ملک‌مالکی که گریخته بدهقانان تعلق‌خواهد گرفت . ولی کسانی که مانده‌اند حق مالکیت‌و بهره‌مالکانه دارند ولی عملا " هر جا دهقانان تمایل نشان میدادند ، مالکان نمیتوانستند بهرهٔ مالکانه بگیرند درمورد پاره‌ای نواحی‌عقب ماندگی‌و اعتقادات مذهبی و تحریک روحانیون محلی موجب میشد که سهمیه مالکان گریخته نیز شبانه به انبارهای اربابی حمل شودتا سهم دهقانان حلال باشد " جمعبندی عملیات فرقه ما را به نتایج زیر میرساند :

۱ ــ فرقه دموکرات دارای زمینه های ملی و انگیزه های توده ای مترقی بود ولی این زمینه‌ها و انگیزه ها بحدی رشد نیافته بود که برقراری حاکمیت فرقه را ایجاب کند .

۲ ــ فرقه دموکرات عجولانه و بنا به مصالح فوری شوروی تشکیل شد و قبل از اینکه نیروی سازمان یافته و شایسته ای داشته باشد با حمایت ارتش سرخ دست به عمل زد و حکومت را بدست گرفت .

۳ ــ وابستگی به شوروی و تظاهرات چپ از طرف عناصر فرقه است بورژوازی را رم داده بود فئودالها و مالکان و سرمایه داران بزرگ و عشایر و خوانین دیگر مرتجعین مثل روحانیون آذربایجان با دولت مرکزی بر ضد فرقه اقدام کردند . در واقع همگام هجوم به آذربایجان یک نیروی محلی دخالت که ناچیز هم نبود بر ضد فرقه عمل میکرد .

۴ ــ فرقه در پایان یکسال حکومت خود ، قدرت مقاومت و حتی در هم کوبیدن ارتش اعزامی را داشتند ولی همانطوری که‌با توصیه

کار خود را آغاز کرده بود در مقابل توصیه شوروی ها مقاومتی نکرد .

۵ ـ دولت شوروی‌که با این اقدامات میخواست امتیازات موقعیتی را که در جنگ بدست آورده بود ، در ایران‌حفظ‌کند ، عملا" نشان داد که در محاسبات خود اشتباه کرده‌است‌و با توجیه قیام و حاکمیت (بدست گرفتن حاکمیت) در سال ۲۴ و توجیه عقب نشینی در سال ۲۵ دچار تناقض شده است . (کسانیکه از بمب اتمی آمریکا و جنگ چین گفتگو میکنند ، باید بدانند که اولا" هنگام تشکیل فرقه بمب اتمی در ژاپن بکار رفته بود و برخوردهای شدید کمونیست ها و کومین تانگ پس از پایان جنگ با ژاپن در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) هنوز آغاز نشده بود .

۶ ـ حزب توده‌در جریان فرقه نه فقط به دنباله روی و همبستگی از سیاست شوروی ادامه داد ، بلکه در تعیین ماهیت و خصوصیت مرتجعین چون قوام دچار خوش بینی شد . (۱)

۷ ـ رهبران‌فرقه به‌تضادهای‌خلق ترک و فارس‌پربها داده و مناسبات تاریخی این دو خلق و همبستگی ، بورژوازی و فئودالیزم و حتی خرده بورژوازی مرفه ترک‌را با طبقات حاکم کم بها داده بودند . تمایلات‌تجزیه

---

(۱) روزنامه های حزب توده در سال ۲۴ از دمکرات منشی قوام و سوابق آزادیخواهی او یاد می‌کردند و در آستانه بروز اختلافات درشهریور ۲۵ از تغییراین خصوصیات و تمایلات دیکتاتور مآبانه "حضرت اشرف" شکوه میکردند .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

طلبانه‌ای که از جانب رهبران و وابستگاه فرقه آشکار شده بود (۱) نه فقط در بورژوازی فارس (اعم از ملی و کمپرادور) بلکه در خرده بورژوازی نیز عکس العمل ایجاد کرده بود ، انعکاس این عکس العمل حتی در حزب توده آشکارشد .

۹ ـ عقب نشین فرقه پس از تدارک نیروهای مسلح بدون درگیری مسلحانه جدی ، فرار بیست هزار نفر به شوروی و قتل عام ۲۵ هزار تن از طرفداران فرقه به جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش ملی در آذربایجان ضربه جبران ناپذیری وارد کرد .

۱۰ـ شکست فرقه بتمام جنبش کارگری در ایران ضربه زد و نقطه افول این مبارزات که از مال ۲۰ دائما " رو به رشد داشت به حساب می‌آید .

شکست فرقه به خوشبینی ها و امیدهای بیجا در افراد و رهبری حزب توده خاتمه داد و اولین شکستی بود که در داخل و خارج حزب انعکاس جدی تری پیدا کرد . احساسات خرده بورژوازی در جریان آذربایجان جریحه دار شده بود و در رهبری حزب منعکس شد . این احساسات با وابستگی بی قید و شرط رهبری به شوروی برخورد پیدا میکرد و گر چه در داخل حزب حمله‌ای به شوروی نمیشد ، معذلک بطور غیر مستقیم سیاست

---

(۱) بیر یا شاعر آذربایجانی که وزیر فرهنگ فرقه بود شعری سروده بود که در آن از ارس گلایه میکرد که چرا میان خلق ترک جدائی افکنده است احساسات وحدت طلبی با آذربایجان شوروی خود بخود مبنای تجزیه از ایران تلقی میشد .

شوروی مورد اعتراض قرار میگرفت. ازسوی دیگر ضرورت تکامل حزب احساس میشد. از همان روزهای نخست کسانی بودند که ضرورت انضباط حزبی و تعلیمات مارکسیسم ـ لنینیسم را تاکید میکردند. یک جناح "جوان و پیر" هم در رهبری حزب شکل گرفته بود، تمام این جناح بندی های داخلی پس از شهریور ۲۰ سال ۲۵ تشدید شده و حزب را با مشکلات داخلی، روبرو ساخت. یکی از مظاهر این اختلاف‌ها، انشعاب سال ۲۶ بود. لیکن قبل از جمعبندی این انشعاب، باید نگاهی به جریان تشکیل فرقه دمکرات کردستان و حاکمیت آن در کردستان بیندازیم.

حزب دمکرات کردستان

خلق کرد که در قرن اخیر همواره مورد تجاوز عثمانی و ایران قرار داشت، بادگرگونیهای سیاسی پس از جنگ جهانی اول در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه زیر حاکمیت فارسو ترک و عرب قرار گرفت. قبل ازظهور جنبشهای ترقیخواهانه‌خود مختاری خوانین کرد و سپس شورشهای عشایر (از قبیل اسماعیل آقا رئیس ایل سکاک) علاوه بر گردنکشی های خانخانی مظهر تمایلات ملی کرد ها نیز بوده است. ولی جنبشهای ترقیخواهانه باشورشهای ملی کردها نیز در عراق و تشکیل فرقه دمکرات کردستان در عراق آغاز شد، هسته های حزب میدای (امید) عراق در دورهٔ رضا خانی در ایران بطور محلی بوجود آمده بود پس از شهریور ۲۰ بتدریج این هسته ها بهم نزدیک شدند و در سال ۲۱ "کومولهٔ ژ ـ ک" (جمعیت زندگی کرد) را تشکیل دادند. کومولهٔ ژ ـ گ یک جریان ناسیونالیستی مترقی بود. در سال ۲۳ کومولهٔ به حزب دمکرات کردستان تبدیل شدو فعالیت علنی خودرا آغاز کرده بارگان حزب روزنامهٔ "کردستان"

بود و چند مجله و نشریهٔ دیگر نیز از طرف حزب دمکرات کردنشین منتشر شد (۱).

اعضای موءثر و موءسسان حزب دمکرات قاضی محمد ذبیحی، . هاب بلوریان ایوبی، سلطانیان و دیگران بودند. برادر قاضی محمد بنام صدر قاضی در دوره چهاردهم نمایندهٔ مهاباد در مجلس شورای ملی بود.

حزب دمکرات کردستان در کنگرهٔ اول خود (در سال ۲۳) روی زبان کردی و آذری خلق کرد و خود مختاری کردستان کم و بیش تاکید کرد. موسسان حزب دمکرات کرد هیچیک دارای سوابق کمونیستی نبودند و شبکه‌ای از حزب توده در کردستان وجود نداشت. مقارن کوششهای فرقه دمکرات آذربایجان که برای بدست گرفتن حاکمیت بعمل میآورد، در کردستان نیازی به این کوششها نبود زیرا از مدتی پیش در کردستان نیروی مسلح دولتی وجود نداشت بنابراین در مهاباد انتقال قدرت بدون برخورد مسلحانه انجام گرفت.

در دوم بهمن سال ۲۴ قاضی محمد از طرف مجمع ملی بعنوان رئیس دولت جمهوری دموکرات کردستان انتخاب شد و کابینه خود را تشکیل داد. دولت خود مختار کردستان از جانب حکومت مرکزی به هیچ وجه پذیرفته نشد و نیروهای دولتی در سقز و سردشت در مقابل نیروهای مسلح کرد قرار گرفتند نیروهای مسلح کرد اساسا " نیروی داوطلب شهری بودند و عده‌ای از عشایر تحت رهبری روسای خود با دولت کرد همکاری میکردند و

---

(۱) ـ مجله های نشتمان (میهن) و " آوات " (آرزو) از آن جمله اند.

عده‌ای نیز زیر سلطه سران خود با آن مخالفت می‌ورزیدند (۱) در اواخر کار دولت کردستان به فکر ایجاد نیروی قوی و منظم افتاد ولی تعداد این نیروها که از میان مردم دولت انتخاب شده بود زیاد نبود و هنوز تعلیمات و سازمان کافی نیافته بودند. یکی از عوامل موءثر در ایجاد و ادامهٔ جنبش دمکرات، کردموقعیت ایل بارزانی بود. این بارزانی در اواخر سال ۲۲ و اوایل سال ۲۳ پس از برخوردی که با دولت عراق پیدا کرده بود در سال ۲۳ به حزب دمکرات پیوستند ـ "ملامصطفی" فرمانده نظامی و "ملا احمد" رئیس رسمی بارزانی ها بودند، بارزانی ها هستهٔ اساسی نیروی مسلح کرد به حساب می‌آمدند ولی بجز آنها مردم شهر (کسبه، پیشه وران، و روشنفکران) و عده‌ای از عشایر مسلحانه از حکومت کرد دفاع می‌کردند. در آن دوره دهقانان کرد که اساساً "نیمه دهقان و نیمه ایلاتی بودند و با پیوندهای قومی و خونی مربوط می‌شدند، اعتراضی به نظام استثماری نیمه فئودالی و نیمه‌شبانی نداشتند (۲) تا پایان ماجرا نیز دهقانان در حقیقت عشایر تخته قاپو نقشی نداشتند. مرکز دولت کردستان مهاباد بود و شهرهای میاندوآب، بوکان، خانه نقده بطور کلی کردستان شمالی تحت حاکمیت

---

(۱) ـ عشایری که بادولت دمکرات همکاری می‌کردند عبارت بودند از: طایفهٔ مادری از ایل مامش و تا حدی ایل پیران و آنها که مخالف بودند عبارت بودند از خانواده امیر عشایر از ایل مامش و اغلب عشایر جنوبی.

(۲) ـ بهره مالکانه در کردستان تا حدی تعدیل شده بود. از گندم پنج یک واز توتون نصف از چغندر قند یک سوم سهم ارباب بود.

آن قرار داشت . سقز و سردشت در محاصره بودند [۱] رضائیه باهمکاری دولت کرد ودولت آذربایجان اداره می‌شد . دولت دمکرات زبان کردی را در مدارس رسمیت داد . [۲] ایستگاه رادیوئی تاءسیس کرد و در صدد ایجاد ارتش ملی برآمد . چاپخانه‌ای نیز برای انتشارات تاءسیس کرد پس از آنکه در تهران جبهه دمکراتیک از طرف حزب توده، حزب ایران و فرقهٔ دمکرات آذربایجان تشکیل شد ، حزب دمکرات کردستان نیز به آن پیوست مذاکراتی که بین رهبران فرقه و حزب توده‌ازیکطرف و دولت قوام از طرف دیگر انجام شد مسئله کردستان نیز مطرح شد و بعد سلطانیان نیز به صدر قاضی که در تهران بود پیوست و باوساطت حزب توده در مذاکرات دولت شرکت‌کردندازآن پس‌بین دولت وکردها آتش بس برقرار شد و دولت مانند آذربایجان تا حدودی حقوق کردها را به رسمیت شناخت پایان ماجرا نیز مانند آذربایجان پیش آمد . ارتش بعنوان تضمین آزادی انتخابات عازم مهاباد شد . چند روز پس از پایان کار تبریز ارتش با مسالمت وارد مهاباد شد تا جایی که قاضی محمد بی آنکه عنوان خود را داشته باشد با فرمانده

---

(۱) ــ ارتش سرخ کردستان شمالی‌را اشغال کرد ولی واحدهای رزمی خود را در کردستان مستقرساخت (پس از اشغال‌بتدریج به آذربایجان باز گرداند) سنندج و شهرستان های اطراف آن منطقهٔ شمالی دراشغال ارتش انگلیس بود . دولت دمکرات در منطقه اشغالی ارتش سرخ مستقر شد .

(۲) ــ برای اثبات حقوق اقلیتها ، حتی مدرسهٔ یهودیان مهاباد در این‌دوره به زبان عبری‌آموزش می‌داد در حالی که یهودیان بیش از سی خانوار نبودند .

ارتش باب مراوده را گشود . قبل از ورود ارتش همان مسائلی که در تبریز پیش آمده بود درمهاباد نیز بوجود آمد ،کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان نیز با مسئله رفتن یا ماندن روبرو بود ، از همان وقت عقب نشینی فرقه مسلم بود و پشت جبهه کرد ها خالی ماند . قاضی محمد و کسانش (سیف قاضی و دیگران) تصمیم گرفتند بمانند و حاکمیت دولت را بپذیرند ولی بارزانی ها تصمیم گرفتند بروند . ملامصطفی وقایع آینده را پیش بینی میکرد و از قاضی محمد مصرا "میخواست که با او عقب نشینی کند تا جنبش کرد زنده بماند ولی قاضی محمد عقب نشینی را بمعنی گریختن میگرفت و میگفت نمیشود زن و بچهٔ مردم را در مقابل عشایر وارتش بی پناه گذاشت سرانجام ملااحمد و ملامصطفی با افراد ایل به " خانه " عقب نشستند و در آنجا ملااحمد زنهاوبچه ها و افراد ایل را به عراق باز گرداند . ملا مصطفی و حدود ۵۰۰ نفر با جنگ وگریز دردوسوی خط مرزی ایران و عراق و سپس ایران و ترکیه به طرف شوروی عقب نشستند و سرانجام به شوروی پناهنده شدند . (۱)

رفتارمسالمت جویانه قاضی با دولتی ها ،احساسات مردم را جریحه دار ساخت تا حدی که او را مورد طعن و دشنام قرار میدادند ولی بزودی این دوره مسالمت پایان یافت و قاضی و کسانش بازداشت شدند قاضی حاضر نشد علیه منافع و احساسات خلق کرد اقدامی بعمل آورد و سرانجام او و

---

(۱) ــ ملاو افرادش سرانجام در دورهٔ عبدالکریم قاسم به عراق بازگشتندو در اواخر حکومت قاسم برسر خود مختاری کردها در شمال عراق با دولت قاسم درگیر شدند .

کسانش اعدام شدند . (۱)

دولتی ها گرچه از پشتیبانی عشایر نیز برخوردار بودند (علاوه بر عشایر مخالف دمکراتها ، عشایر دیگر نیز با احساس حاکمیت قریب الوقوع دولت مرکزی میخواستند از دیگران عقب نمانند) دست به قتل عام در کردستان نزدند و به اعدام قاضی و اطرافیانش و بازداشت حدود دویست نفر از افراد موثر حزب دموکرات اکتفا کردند . حدود صد وبیست نفر از این عده پس از محاکمه در تبریز مهاباد ، رضائیه و سقز زندانی شدند .

جمعبندی جنبش کردستان ما را به نتایج زیر میرساند :

۱ ــ ناسیونالیزم کرد در کردستان واقعیت جدی داشته و دارد و کردها ستم ملی را بمراتب از ترکها بیشتر احساس میکردند . اینجا زمینهٔ مساعدی برای حرکات استقلال طلبانهٔ حزب دمکرات بود .

(۲) ــ توده‌های خرده بورژوازی شهری نیروی عمدهٔ جنبش دمکرات کردستان بودندو عشایرودهقانان نقش عمده ای در این‌جنبش ایفانکردند . (البته بجز ایل بارزانی) .

(۳) ــ با عقب نشینی فرقه ، ادامهٔ مقاومت مسلحانه و حفظ دولت کردستان غیر ممکن‌بودو بخصوص که عشایر و دهقانان آمادگی برای حمایت

---

(۱) ــ قاضی محمد و برادران‌و بستگانش‌یک هفته پس از ورود ارتش به مهاباد بازداشت شدندو در ۱۵ فروردین سال ۲۶ چهار نفر و پس ازیک هفته سه نفر در مهاباد و ۵ یا ۱۵ نفر درسقز اعدام شدند وسرشناس ترین اعدام شدگان :محمد قاضی ،سیف قاضی ، صدر قاضی ، مازوحی ، فاطمی ، نقده‌ای ، روشنفکر ، علی بیک یک شده بودند .

از جنبش کرد را نداشتند .

(۴) ـ حزب دمکرات کردستان نیز مانند فرقه پیش از آنکه آمادگی لازم را در توده ها بوجود آورده باشد . سازمان مناسب بوجود آورده ، دست به حرکت زد . از خلاء دولت استفاده کرد و در کردستان شمالی حاکم شد .

۵ ـ محدود بودن جنبش به شمال کردستان یکی از کمبودهای عمده آن بحساب میآید .

۶ ـ ریشه های واقعی جنبش کرد و آمادگی نسبی نظامی کردستان باعث شد که حکومت مرکزی نتواند جنبش را بشدت سرکوب کند و در نتیجه مجددا " در سال ۱۳۲۶ هسته های حزب دمکرات ایجاد شدو بعد ها نیز حزب توده (برخلاف آذربایجان) در کردستان بنام حزب دمکرات عمل میکرد . (۱)

۷ ـ در دوره مهاجرت مهاجرت افراد بارزانی و رهبر آنها ، علیرغم مشکلات توانستند همبستگی خود را حفظ کرده و خود را به دولت شوروی بقبولانند . و این امر در ادامهٔ جنبش کرد در منطقه موثر افتاد .

---

(۱) حزب توده در سال ۲۶ این هسته را به رسمیت نشناخت ولی درسال ۲۸ پس از تجدید سازمان و شروع فعالیت مخفی آنرا به رسمیت شناخت . در سال ۲۷ در حدود چهل هزار اعضای حزب دمکرات را قبل از (۱۵ بهمن) دردی ماه بازداشت کردند .

انشعاب در حزب توده

در سال ۲۶ اختلافات داخلی حزب توده بالا گرفت ملکی و خامنه‌ای روی عقاید خود پافشاری می‌کردند ، همانطور که قبلا " یاد شد ملکی ، جزو ۵۳ نفر بود و در هیأت اعزامی به آذربایجان عضویت داشت ودر سال ۲۵ نیز بنا به دعوت حزب کارگر انگلیسی مسافرتی به آنجا کرده‌بود (پس از انشعاب ملکی متهم شد که در سفر انگلستان خریده شده) ملکی در هیات بازرسی اعزام به کادرهای سابق حزب توده (که با تشکیل فرقه عضو آن شده بودند) در زمینهٔ چپ روی وآشکار ساختن تمایلات خود نسبت به شوروی ایراداتی گرفته بود قبلا " نیز جناح " جوانها " به حزب ایراد میگرفت

پس از شکست فرقه اعتراضش بلند تر شده‌بود و (روشنفکران) و هنرمندان رادور خود جمع کرده‌بود ، جلال آن احمد که مدتی سردبیری ماهنامهٔ مردم‌را بعهده داشت از جمله این افراد بود با نشان دادن احساسات ضد شوروی و انتقاد صریح از ماجرای آذربایجان ، ملکی بتدریج از دیگر " جوانها "جدا شدو تنها ماند ،معذلک هنگامیکه از حزب انشعابی کرد عدهٔ قابل توجهی با اوهمراه شدند در راس این انشعابی ها ، ملکی خامنه‌ای آل احمد قرار داشتند خنچی نیز از جمله آنها بود ملکی و همکارانش خودرا مارکسیست‌واقعی وصدیق اعلام میداشتند و ظاهرا " انتظار تا ئید شوروی‌و یا حداقل بیطرفی آنرا داشتند ولی بدلائلی این انتظار بیجا بود حزب توده‌از دولت شوروی کمک گرفت و رادیو مسکو انشعابی‌ها را مرتد اعلام‌کرد آنگاه‌حزب ۲ روز به انشعابی ها فرصت داد تا به حزب

باز گردند و البته‌به رهبران انشعابی‌چنین فرصتی داده‌نشد پس از جدائی بتدریج ملکی از مارکسیسم روی‌گرداند و به دشمن شوروی و حزب توده تبدیل شد مارکسیسم ــ لنینیسم را نیز تخطئه کرد مجله علم و زندگی ارگان ملکی و همکارانش و (کار و اندیشه) هر دو منعکس کنندهٔ افکار انور خامنه‌ای و ملکی بود ملکی بعد به فعالیت خود ادامه داد تا سرانجام به حزب زحمتکشان بقائی پیوست در آنجا مبارزات خود را با حزب توده ادامه داد در دورهٔ همکاری ملکی با بقائی مطالب فقط در یک روزنامه " شاهد " از جانب ملکی تنظیم میشد ، رهبرانی که قبلا" با ملکی نوعی فراکسیون تشکیل داده بودند در جریان انشعاب با دیگران (پیرها) در یک صف قرار گرفتند و رهبری حزب که در زیر ضربات شکست آذربایجان قرار داشت شعار وحدت‌را در مقابل مطرح کرده و اختلافات داخلی را سرپوش گذاشت پس‌از شکست آذربایجان هزاران نفراز حزب و پیرامون آن جدا شدند و مبارزه بر ضد حزب توده از جانب حکومت بشدت دامن زده شد حزب سیاست دفاعی در پیش‌گرفت گروهی از رهبران و مسئولان از حزب جدا شدند در نتیجه حزب در بالا و پائین ابعاد کوچکتری پیدا کرد و شکست آذربایجان و انشعاب سال ۲۶ مسائل تازه‌ای برای حزب بوجود آورد این دگرگونیها را میتوان چنین جمعبندی کرد

۱ ــ گر چه حزب توده از نظر کم بها دادن به کیفیت ایدئولوژیک خودو دنباله‌روی ازشوروی وخط مشی آن درجریان پیدایش فرقه تا پایان آن مورد انتقاد جدی‌بود عناصری که زیر همین عناوین از آن جدا شدند روی فقر خصوصیات انقلابی بوده و نقش سازنده‌ای در جنبش‌کارگری ایفا نکردند و در نتیجه ماهیت انشعاب گرایش به راست بود و نه بسوی تکامل

بخشیدن مبارزه

۲ ــ روابط بین المللی جنبش کارگری عامل تعیین کننده‌ای در تائید و یا تکفیر رهبری بود .

حزب توده از این عامل برای کوبیدن انشعابیها استفاده کرده در چنان موقعیتی جدا شدن انشعابیها به منزله جدا شدن از جنبش کارگری بود حرکات بعدی انشعابیها این خصلت را به خوبی نشان داد .

۳ ــ حزب توده زیر پرچم مبارزه با انشعابیها توانست مانع بروز مبارزات سازنده در داخل حزب شود ، بخصوص اثر سازندهٔ شکست سال ۲۵ را باین وسیله ازبین برد (در هر شکست ضمن اینکه جنبش آسیبهای جدی می‌بیند این جنبه دیالکتیکی شکست نیز ظاهر میشود که زمینه برای تکامل مبارزه و تصفیه مادی و ذهنی حزب ، سازمان آماده میشود)

۴ ــ پس از شکست وانشعاب افرادی‌که درحزب‌ماندند تصورات واقعی تری از مبارزه و راهی که در پیش‌دارند پیدا کردند و با از بین‌رفتن تصور پیروزی نزدیک عناصر فرصت طلب و ترسو از حزب بریدند پس از شکست آذربایجان گرچه حزب توده‌غیر قانونی‌شد ولی فشارهای‌جدی را میبایست تحمل کند ، حزبی که در پناه ارتش سرخ‌حرکت‌خود را آغاز کرده بود اینک میبایست روی پای خود بایستد پس از انشعاب حزب خود را برای تشکیل کنگره دوم آماده می‌کرد (کنگره اول سال ۲۳ تشکیل شده بود) کنگره دوم در بهار سال ۲۷ تشکیل شد و کمیتهٔ مرکزی‌و کمیتهٔ ایالتی تازه را انتخاب کرد . اختلاف جناحهای داخلی‌موقتا "سرپوش گذاشته‌شد ولی عملا" ادامه یافت . کنگره توجیه رهبری از شکست آذربایجان را تائید کرد توجیه رهبری تائید بر موقعیت جهانی دو اردوگاه و نیاز شوروی به ساختمان پس

از جنگ خود و بدادن بهانه به تعرض امپریالیسم آمریکا بود .

پس ازکنگره مسئله آذربایجان وپاسخ‌گفتن به آن مطابق استانداردهای رهبری یکی از ملاکهای تعیین صلاحیت‌افراد شده افرادی که میخواستند به حزب و سازمان بپیوندند لازم بود در مورد آذربایجان و انشعابیها نظرات روشن مطابق با حزب داشته باشند جدولی‌که صلاحیت‌افراد سازمان نظامی را تعیین میکرد روی مسئله آذربایجان و اتحاد شوروی تاکید داشت .

مخفی شدن حزب توده

در سال ۲۷ در حالیکه دو باره حزب توده داشت نیرو می‌گرفت و به فعالیت خودمی‌افزود دستگاه‌حاکمه درصددبود که ضربه خود رافرود آورده به فعالیت حزب توده خاتمه دهد واقعه ۱۵ بهمن ۲۷ مستمسک لازم برای فرود آوردن ضربه را فراهم ساخت ، درروز جمعه ۱۵ بهمن حزب توده بر سر قبر ارانی در امامزاده عبدالله اجتماع بزرگی را تشکیل داده بود "روز شهدا" ۱۴ بهمن بود ولی آنرا یک روز به تعویق انداخته تا با روز تعطیل مصادف شود . شاه به مناسبت روز تاءسیس دانشگاه به دانشگاه تهران رفته بود شخصی بنام فخر آرائی در لباس عکاسی به شاه تیراندازی کرد و خود او دردم کشته شده در جیب او کارت عضویت حزب توده پیدا شد . دولت فورا اعلام حکومت نظامی کرد و به باشگاه و مراکز حزب توده یورش برده، بازداشت دستجمعی رهبران و اعضاء شروع شد . اقبال تصویب نامهٔ دولت رامبنی بر غیر قانونی بودن حزب توده در مجلس قرائت کرد و با تائید نمایندگان روبرو شد . باین ترتیب حزب توده غیر قانونی و منحله اعلام شد . گفته شده است که فخر آرائی‌و چند تن از دوستان او از اعضای حزب توده بودند و قصد خود راتوسط یکی از رهبران احتمالا " کیانوری‌به اطلاع

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

رسانده‌بودند. حزب پیشنهاد آنهارا "رد کرده‌بود ولی کیانوری بطور ضمنی آنها را تائید کرده بود. بهرحال رهبران حزب توده وابستگی فخر آرائی را درموقع ارتکاب عمل‌تکذیب کردند، و در دادگاه نیزبه موجب ماده یک متهمین محاکمه شدند.

رهبران فراری و دیگر افرادموءثر حزب‌در سال ۱۳۲۸شروع به تجدید سازمان مخفی حزب کردند از میان افراد حزب در دورهٔ قانونی کسانیکه صلاحیت کار مخفی‌داشتند در حوزه ها و کمیته های مخفی متشکل شدند. سازمان جوانان نیز به‌دنبال حزب تجدید سازمان شد. در سال۲۹ ده نفر رهبران حزب توده (از جمله روزبه) توسط سازمان نظامی حزب از زندان قصر فراری داده شدند فرار رهبران به منزلهٔ اعلام موجودیت مخفی حزب بود، ولی پاره ای محافل شایع کردند که رزم آرا در این فرار دست داشته است و این فرار از بازیهای سیاسی دستگاه حاکمه است مخفی شدن حزب نتایج زیر را داشت:

۱ ــ معیارهای عضو گیری حزب دگرگون شد و کیفیت آن افزایش یافت

۲ ــ محظور رعایت‌قانون از بین رفت و حزب توده مارکسیزم لینیزم را ایدئولوژی خود اعلام کرد و باعث شد که اساسنامه و مرامنامه را تغییر بدهد.

۳ ــ امکانات علنی وقانونی حزب به میزان قابل توجهی‌کاهش یافت بطوریکه اتحادیه های واقعی کارگران نیز فعالیت مخفی داشت.

۴ ــ رهبری حزب‌که در دورهٔ مخفی عیناباهمان عناصر قبلی ادامه یافته بود از مصونیت ناشی از سلسله مراتب و اصول کار مخفی بهره یافت

و در برج عاج پنهان شد . توده های حزبی به رهبری دسترسی نداشتند و دو قطب حزب (یعنی رهبری و توده‌های حزبی ، هرروز شناخت ذهنی تری از یکدیگر پیدا کردند .

۵ ــ در مجموع ظرفیت و کارائی حزب و سازمانهای وابسته به آن (سازمان جوانان و شورای متحده) افزایش یافته و از انظباط بیشتری بر خوردار شدند .

حزب توده در برابر جنبش ملی شدن نفت

اولین اشتباه حزب توده پس از تجدید فعالیت ، بی توجهی به جبهه ملی و جنبش ملی شدن نفت بود . در حالی که این مبارزه مقارن مذاکرات (کس ــ گلشائیان) آغاز شده و بسرعت گسترش میبافت . حزب توده ضرورت و اهمیت آنرا درنیافت ــ در سال ۲۹ حزب از یکسو در صدد ایجاد جنبشهای کارگری در کارخانه ها بود و از طرف دیگر فعالیت علنی خود را با جمع آوری امضاء در ذیل ورقه‌های انجمن ایرانیان هوادار صلح شروع کرد . جنبش صلح خواهی جنبشی جهانی بود که اتحاد شوروی علیه اردوگاه امپریالیستی و بخصوص آمریکا براه انداخته بود ، این جنبش آنقدر در ایران بی معنی جلوه می‌کرد که توده های زحمتکش شهری هیچ گاه نتوانستند معنی آنرا دریابند ، معذلک حزب توده بیش از یک میلیون امضا ذیل این ورقه ها جمع آوری کرد . با تشکیل خانه صلح درخیابان فردوسی) ورسمیت یافتن جمعیت هواداران صلح عده‌ای از رجال لیبرال و سرشناس بظاهر در راس این جمعیت قرار گرفتند . مهمترین این عناصر آیت الله کاشانی بود که ذیل ورقه صلح

را با متنی "فتوا" مانند امضا کرده بود . یکی از علل سرکوبی حزب توده در سالهای ۲۷ و ۲۸ فراهم کردن زمینه مساعد تجدید قرار داد نفت با انگلستان بود . رزم آرادر تیرماه سال ۲۹ با این رسالت نخست‌وزیر شدکه کار نفت را بپایان برساند . مصدق و همکارانش که در دورهٔ اخیر فعالیت خود را از مهر ۲۸ باتحصن در کاخ‌مرمر بعنوان اعتراض‌به جریان‌انتخابات شانزدهم شروع کرده بودند ،در مقابل رزم آرا جبهه گرفتند و هنگام‌طرح لایحهٔ نفت در مجلس به مخالفت با آن پرداختند . حزب توده که پس‌از یک دوره دوباره داشت نیرومیگرفت ، از تریبون های علنی محروم شد و قادر به رقابت با مصدق‌نبود ، ولی مهمتر از این محدودیتها ، موضع گیری کاملا" غلط‌حزب توده در آن شرایط بود جنجال تشدید تضادهای آمریکا و شوروی و خطری که شوروی خودرا در آستانه‌آن حس میکردوبزودی‌بعنوان مهمترین‌قدرت ضد امپریالیستی‌شناخته‌شده و اردوگاه‌سوسیالیستی‌و احزاب کمونیست‌را به مبارزه‌بر ضدامپریالیزم‌آمریکاهدایت میکرد ، این استراتژی جهانی در ایران درست‌با استراتژی‌جبهه ملی تضاد پیدامیکرد . در ایران امپریالیزم آمریکا چهره تهاجمی داشت و میخواست انحصار نفت ایران را از دست انگلیس خارج کند و مصدق با علم به این تضاد ، شعار ملی شدن نفت را مطرح ساخته بودو از حمایت آمریکا برخوردار میشد . اتحاد شوروی و حزب توده نیز این موضع گیری را میدیدند و با توجه به حساسیت‌شوروی در مقابل آمریکا (که خود بخود موجب اغماض نسبت به‌انگلیس در چهار چوب مسائل جهانی نمیشد)جنبش ملی‌شدن نفت و جبهه ملی‌را پدیده ای برای خود رسالت رهبری قائل بود : شرکت مصدق در مبارزه نفت را که در آن از امپریالیزم آمریکا کمک میگرفت و حمایت آمریکا از جنبش نفت در

مرحله اول یعنی تا (خلع ید) را حمل بر وابستگی مصدق به آمریکا کرده و با وابستگی سیاسی به مشی شوروی خود را ملزم میدانست با "نفوذ آمریکا" مبارزه کند . حزب توده قبل از ملی شدن نفت ، نتیجه بخش بودن این مبارزات را قبول نداشت و فکر میکرد که سرانجام این سرو صداها با توافق آمریکا و انگلیس تمام خواهد شد . با همهٔ اینها ، حزب توده نمیتوانست از جریانی که به علت نضج میگرفت بر کنار بماند و بنابر این شعار الغای امتیاز نفت جنوب را داد (مقارن طرح ملی شدن نفت در او اخر سال ۲۹) و سپس ملی شدن نفت جنوب و سرانجام پس از تصویب ملی شدن نفت شعار ملی شدن نفت در سراسر کشور را پذیرفت . این تغییر دادن شعارها نشانهٔ سردرگمی حزب توده و عقب ماندن آن از جریان بود ولی مسخره ترین جنبهٔ این شعارها ، رعایت حقوق شوروی در امتیاز نفت شمال (که هرگز تصویب نشده بود) بود . بهمین جهت اول سال ۳۰ حزب سازمانهای مخفی خود را گسترش داد و نیروی مادی لازم را برای مقابله پیدا کرد. اولین تظاهرات حزب حدود یکماه پس از خلع ید در آستانه ورود " اورال هریمن " فرستادهٔ مخصوص " ترومن " برای حل مسئله نفت بود ، قبل از ۲۳ تیر سازمانهای حزب توده در کارخانه های مختلف اعتصاب هائی راه انداخته بودند . از جمله این اعتصابها ، اعتصاب کارگران نفت در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ بود که به زدو خورد کشید و موجب اعلام حکومت نظامی گردید . نیروی دریائی انگلیس از این اعتصاب استفاده کرد وناوهای خود را بعنوان حفظ جان اتباع انگلیسی به خلیج فارس و سواحل خوزستان آورد . این تهدیدی بود برای بازداشتن مصدق از ادامهٔ راه خود . سرانجام در دهم اردیبهشت شاه لایحه مصوبه مجلس را امضاکرد و در سیزده اردیبهشت

مصدق را به نخست وزیری برگزید. در ۲۳ تیر "هریمن" با پیشنهادی شبیه کنسرسیوم در سال ۲۳ در ایران آمد. آمریکا اینک میخواست حاصل ملی شدن صنعت نفت را ببرباید. مصدق سعی میکرد که مناسبات خود را با آمریکا تیره نکند، مرتجعین به رهبری دربار و امرای ارتش میخواستند نشان دهند که قدرت واقعی را در دست دارند. حزب توده تصمیم گرفت که بنظر خود مانع سازش مصدق با آمریکا و پایان مجرای نفت شود. حزب معتقد بود که اینک زمان سازش مصدق فرا رسیده و باید رهبری را از او گرفت.

تظاهرات ۲۳ نیز ظاهرا "بمناسبت یاد بود اعتصاب و تظاهرات کارگران نفت در ۲۳ تیر ۲۵ برقرار شد ولی هدف اصلی آن مخالفت با آمریکا و اعتراض به ورود هریمن بود.

روحیهٔ ناشی از مبارزهٔ مخفی در ۲۳ تیر بصورت برخورد با نیروهای پلیس و ارتش ظاهر شد "توده‌ای ها" شجاعت و انضباط پیش بینی نشده ای از خود آشکار ساختند که باعث شگفتی جبههٔ ملی و دربار شد. مصدق به تظاهرات خونین کمونیست ها تکیه کرد و هریمن را دست بسر کرد. حزب توده شکست ماموریت هریمن را به حساب خود گذاشت و تمایلات مصدق و جبهه ملی را به حساب نیاورد. شرکت عناصری چون زاهدی، امینی و دیگران در کابینهٔ اول مصدق و گسترش فعالیت ادارهٔ اصل چهار ترومن و افزایش فعالیت ادارهٔ آمریکا و ارتش در ماههای اول حکومت مصدق از جانب حزب توده به منزلهٔ تائید شناخت خویش یعنی وابستگی مصدق به آمریکا بود، حزب گرچه قبلا "در ائتلافی با حزب ایران در سال ۲۵ این حزب را حزب رانمایندهٔ بورژوازی ملی اعلام کرده بود، یعنی با مسئله بورژوازی و نقتی آن آشنائی قبلی داشت. در برابر مصدق او را عامل امپریالیزم

آمریکا اعلام میکرد و در مورد سوابق مصدق از جمله مجلس چهاردهم و مخالفت با امتیازات " استانداردا وبل " معتقد بود که پس از آن مصدق با آمریکا سازش کرده است .حزب توده خونریزی ۲۳ تیر راجلادی مصدق و قتل عام کمونیست ها و قربانی کردن آنها را ، در مقدم ارباب اعلام کرد .

در بارو عناصر مرتجع که زمام نیروهای مسلح را در دست داشتند و مسبب اصلی این واقعه بودند ، از بالا گرفتن اختلاف سود می‌جستند و در مجلس نیز مصدق را مورد تهاجم قرار میدادند . برخوردهای حزب توده با مصدق ادامه یافت .

در چهاردهم آذر همان سال نیروهای سازمان جوانان (زیر عنوان همدردی با محصلین عراقی) دست به تظاهرات خونین در تهران زدند و نیروهای مسلح به مراکز سازمان‌های علنی حزب توده مثل خانه صلح = کانون جوانان دموکرات ، جمعیت آزادی ایران ،اداره‌ٔ روزنامه های بسوی آینده چلنگر و مرکز جمعیت ملی مبارزه با استعمار هجوم بردند . این هجوم ها تا در نبودند در فعالیت حزب اثر چندانی بگذارند زیرا شبکه های حزبی مخفی بود و حزب به حرکت خود ادامه میداد ، پس از رد پیشنهاد هریمن از جانب مصدق برای اولین بار نشانه های مثبتی در روزنامه های " ایزوستیا " نسبت به مصدق پیدا شد . ولی در پایان سال ۳۰ بود که در ارگان بالای حزب اولین آثار تجدید نظر نسبت به مصدق آشکار شد .

سازمان جوانان در دنبال برخوردهای قبلی در ۸ فروردین ۲۱ دست به ماجرا جویی زد و علیرغم سیاست حزب که تظاهرات شدید مصدقی را تحریم میکرد .تظاهرات خونین در تهران راه انداخت واقعه هشتم فروردین

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

آخرین تظاهرات ضد دولتی (ضد مصدقی) توده ای ها بود . (۱)

در بررسی این حرکت ، نشانه های تجدید نظر نسبت به مصدق هویدا میشود . معذلک میبایست ۳۰ تیر نقطهٔ عطف این دگرگونی ها شود .

قیام ۳۰ تیر – حتی پیش از خلع ید از شرکت نفت ، انگلستان همزمان با توسل به سیاست و اعزام کشتی جنگی ، به دیوان داوری لاهه شکایت کرد . (در چهار خرداد ۱۳۳۰)

با تحریم خرید نفت ایران ، اختلاف ایران و انگلیس بالاترگرفت . در مهرماه ۳۰ انگلستان به شورای امنیت نیز متوسل شد . مبارزه با انگلستان و کوشش در خروج از بن بست فروش نفت مهمترین مسئله دورهٔ مصدق بود . اعمال نفوذ و توطئه های انگلستان موجب بسته شدن کنسولگری های انگلیس در دیماه ۱۳۳۰ شد

توده اگر چه مناسبات ایران و آمریکا پس از ردپیشنهادات هریمن به سردی گرائیده بود (ترومن ایران را به توافق با انگلیس تشویق میکرد در تاریخ

---

(۱) – شرکت حزب توده در انتخابات دوره ۱۷ مجلس در بهمن ۳۰ نشانه های گرایش به مسالمت تلقی میشود . با تمام کوششهائی که حزب در تهیه رای بعمل آورد با صندوق سازی و اعمال نفوذ درباریها و خود جبهه ملی اجازه داده نشد که حتی یک نمایندهٔ توده‌ای . به مجلس برود انتخابات چند شهر بهمین منظور متوقف شد . حزب توده در تهران با ۲ نفر که سوابق ارتجاعی داشتند ائتلاف کردکه ازآن جملهٔ " فرود " بود که از همان زمان به‌دربار ومرتجعین وابستگی نتیجه ثبتی برای حزب نداشت موجب بی آبروئی آن شد .

تقاضای مصدق ، برای دریافت کمک، تائیدکرده بود ، نمیتواند به کشوری که دریچه های ثروت خود را به روی خود بسته است ، ازکیسه مالیات دهندگان آمریکا کمک کند . ولی گریدئی سفیر آمریکا همواره به دولت‌خود هشدار میدادکه به اغواگری انگلیس در مورد برکنارکردن مصدق تسلیم نشود وخطر کمونیسم در ایران را در نظر داشته باشد مصدق با تکیه به تجاربی چون ۲۳ تیرماه " خطر کمونیسم " را لولوئی برای آمریکا کرده بود . در نتیجه آمریکا معتقد شده‌بود که فقط مصدق است‌که میتواند بااتکاء به ناسیونالیسم‌جلوی کمونیسم‌را بگیرد . ولی انگلستان‌با شناخت و نفوذی که در ایران داشت معتقد بود که برکناری مصدق متضمن خطر جدی نیست (در خاطرات . . . این اختلاف روابط و نظر دو امپریالیسم در ماجراهائی که به ۳۰ تیر و سپس توطئه های پس از آن منجر شد ، منعکس شده است) انگلستان که از مجامع بین‌المللی امید بر گرفته بود ، در خرداد سال ۳۱ کشتی ایتالیائی " رزماری "راکه از ایران‌نفت‌خریده بود در بندر مستعمراتی عدن بازداشت کرد و کوشش‌جدی بعمل آورد تا آمریکا را با اقدامات خود در یاران هماهنگ سازد . سرانجام ترومن به انگلستان چراغ سبز مشروطی نشان داد انگلستان اجازه یافت که دست به اقدام بزند ، بشرط‌آنکه منافع غرب (آمریکا) در ایران باخطر حاکمیت کمونیستها روبرو نشود . باین ترتیب تضاددو امپریالیست به توافق رسید در زیر این تضمین ۴۰% نفت ایران برای آمریکا قرار داشت در خرداد مصدق به لاهه رفت تا از حقوق خود دفاع کند . پس از دفاع در لاهه و قبل از صدورای مصدق به‌ایران باز گشت و بر سر تعیین پست وزارت جنگ با دربار اختلاف آشکاری پیدا کرد . انتخاب وزیر جنگ و فرماندهان‌شهربانی و ژاندارمری‌بر خلاف قانون

اساسی در اختیار شاه قرار گرفته بود . بهمین دلیل نیروهای نظامی از دو لب (نخست وزیر) تبعیتی نمیکردند و در واقع برخوردهای خونین تهران به همین دلیل با سیاست لیبرال مصدق مطابقت نمیکرد مصدق از موقعیت دادگاه لاهه که افکار عمومی را بشدت تحریک کرده بود میخواست استفاده و پست وزارت جنگ را مثل سایر پستهای کابینه تحت اداره خود بگیرد . برای کنترل ارتش و نیروهای مسلح و تصفیه این نیروها میبایست قبلا" امتیازات غیر قانونی شاه در این مورد سلب شود . بهمین دلیل پس از چند بار کنگره در ۲۴ تیرماه ۱۳۳۱ مصدق شاه را تهدید به استعفای خود کرد . . . شاه و مرتجعین که قبلا "آماده توطئه شده بودند درست در آستانه صدور رای دادگاه لاهه وارد عمل شدند ، مصدق به رغم بدست گرفتن پست وزارت جنگ و گرفتن اختیارات ، از مجلس استعفا داد و شاه قوام السلطنه را به نخست وزیری برگزید . قوام بلافاصله اعلامیه ای صادر کرد و پایان دوران هرج و مرج و عوام فریبی را اعلام کرد و از سوئی به سوابق "آزادیخواهانه" خود در گذشته اشاره کرد . از سوی دیگر مخالفان را تهدید به شدت عمل کرد . قوام با علم به اختلافهای حزب توده و مصدق میخواست با وعده های نهنی حزب توده را بفریبد و بدادن امتیازات امیدوار کند ولی این تاکتیک قوام و مرتجعین نگرفت . حزب توده از چندی پیش سیاست احتیاط آمیزی در مقابل مصدق در پیش گرفته بود و اینک بر کناری او به تردیدها خاتمه میداد و در نتیجه اتخاذ یک تصمیم جدی را ضروری میساخت ، از سوی دیگر نمایندگان جبهه ملی که در اقلیت قرار گرفته بودند (اکثریت مجلس ۱۷ به قوام رای اعتماد داد و این نشان دهنده ماهیت انتخابات در بهمن سال ۳۰ بود .) در مجلس متحصن شدند . از

همان روزهای استعفای مصدق (که دیگر حالت برکنار کردن اورا پیدا کرده بود) . عناصر دست چپی و مصدقی در خیابان های مرکزی بهم نزدیک شده بودند مشترکا " روزنامه‌های شاهد و شهباز را می‌فروختند فراکسیون جبهه ملی از آیت الله کاشانی) روز ۳۰ تیر را اعتصاب عمومی اعلام کرد . آیت الله کاشانی که در زمان رضاخان از ایران تبعید شده بود و بعدها با شکوه تمام بازگشته بود متنفذ ترین روحانی زمان خود به حساب میآمد ریاست مجلس را بعهده داشت و دومین شخصیت جبهه ملی . شناخته میشد . کاشانی روی توده های بازاری و کسبه نفوذ داشت باهمه اینها نه اعلامیه جبهه ملی و نه اعلامیه کاشانی مردم را دعوت به تظاهرات نکرده بود . در روز ۲۸ تیر جمعیت مبارزه با استعمار اعتصاب ۳۰ تیر را تائید کرد و مردم را دعوت به تظاهرات کرد . در روز ۲۹ تیر دولت حاضر شد اعلامیه جبهه ملی را از رادیو بخواند و مهندس حسیبی اعلامیه را خواند . در این اعلامیه از مردم دعوت شده بود که دست به اعتصاب آرام بزنند ولی خوشبختانه توده‌ها اعلامیه را باور نکردند و آنرا نپذیرفتند اعلامیه جمعیت ملی مبارزه با استعمار طی روز ۲۹ تیر پخش شد ولی بعد افراد حزب و سازمانهای وابسته آن در تظاهرات شرکت کردند . کارخانه‌ها هم تعطیل شد . کمبود فرصت و زمینه‌های منفی برخوردهای حزب توده و مصدق باعث شد که بسیج افراد بطور کامل اجرا نشود ولی با اینهمه عده زیادی از افراد حزب ، در تظاهرات ۳۰ تیر شرکت کردند . تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار (بودر جمهری ـ ناصر خسرو ـ سیروس ، خیام ـ پامنارو برق) شروع شد و بطرف توپخانه و اکباتان پیش رفت . نیروهای ارتش اول با یورش های سر نیزه و سپس با دشلیک گلوله و بکاربردن تفنگ و مسلسل با جمعیتی که به‌سوی مجلس حرکت

میکرد مقابله میکردند تا سرانجام . در میدان سپه بهارستان و اکباتان ، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این بر خوردها عده زیادی مجروح و گروهی نیز کشته شدند . بیمارستانها (بخصوص بیمارستان سینا) مملو از زخمی هاشده بود جنازه ها بر سر دست ها در جلو جمعیت حرکت میکرد . بالاخره نمونه های تمرد در نیروهای نظامی دیده شد و جمعیت به اکباتان و بهارستان رسید . اخبار شهر به دربار و قوام میرسید . (برادر شاه ، علیرضا به خیابان آمده بود وشایع بود که در چهار راه آب سردار شخصا به مردم شلیک کرده است .) مستشاران نظامی خطر تمردارتش را خاطر نشان ساختند . سفیر آمریکا به دربار اعلام خطر کرد و از قیام مردم به هراس افتاد . آمریکائی ها خطرحاکمیت سرخ را پیش بینی می‌کردند . توده‌ایها در تظاهرات درکنارشعار " مصدق پیروز است "ویا " یا مرگ یا مصدق " شعارهای ضددرباری میدادند . توده‌هاهنوزاز این شعارهای حزب استقبال نمیکردند . عناصر دست راستی جبهه ملی در حال تظاهرات با شعارهای ضد درباری مخالفت میکردند (طرفداران کاشانی مثل شمس قنات آبادی و شعبان بی مخ هنوز در صفوف جبهه ملی بودند) سرانجام پس از هشتاد و چند تن کشته و صدها زخمی ، دربار وحشت‌زده عقب نشست و بازگشت مصدق را پذیرفت این بار مصدق با نیروهای توده ها پست نخست وزیری را اشغال میکرد . ویژگیهای سی ام تیر بشرح زیر بود :

۱ ــ سی ام تیر نقطهٔ عطفی بود در تغییر جهت مبارزه از مبارزه ضد انگلیسی به مبارزهٔ ضد درباری یعنی تکامل مبارزه وموضع گیری ضد استعماری و ضد ارتجاعی (ضد فئودال کمپرادوری) .

۲ ــ گسترش این جنبه مبارزه پس از ۳۰ تیر موجب تغییر جناحگیری

نیروهای داخلی شد ، یعنی اولاً " جناح راست جبهه ملی یعنی نمایندگان بورژوائی بزرگ سازشگار و کمپرادورها از مصدق جدا شدند ، این پدیده‌ها بصورت جدا یی کاشانی بقائی و دیگر ان از جبهه ملی ظاهر شد . این‌نیرو با فئودالیزم و بورژوا کمپرادورداری سازش‌کرد و بصورت‌متحد امپریالیزم در مقابل مصدق قرار گرفت ثانیا " جنبش‌کارگری موضع قبلی خود را ترک کرد و به مصدق نزدیک شدو از اوحمایت‌کرد پشتیبانی‌حزب توده از مصدق که با قیام سی ام تیر شروع شد از آن پس ادامه یافت .

۳ ــ باتغییر جناحگیری نیروهای داخلی‌وگسترش یافتن تکامل مبارزه امپریالیست سازش‌کرده و امپریالیسم‌آمریکا از مخالفت غیر فعال به دشمن شوروی از مصدق حمایت کرد ولی این حمایت فعال و موءثر نبود . پس‌از سی ام تیر حزب توده موضع خود را نسبت به مصدق و جبهه ملی تصحیح کرد . تخطئه کردن مصدق و کار شکنی کردن در کار او که بصورت تظاهرات مخالفت‌آمیز و تحریم برنامه هائی چون " قرضه ملی " و مانند آن ظاهر شده بود . جای خود را به تدریج به حمایت از مصدق داد با اینهمه حزب نتوانست و رسالتی را که در مقابل‌جنبش ملی بعهده‌ٴداشت بانجام رساند پس‌از سی ام تیر سیاست‌حزب توده. نسبت به مصدق‌عبارت بود از انتقاد از محافظه کاری و تردیدهای مصدق پیشنهاد روزنامه های علنی حزب مثل شهباز و بسوی آینده ومانند آنها ، این سیاست را نمودار میسازد. حمایت حزب توده از مصدق در توطئه نهم اسفند از طرح حیات هشت نفری در فروردین ۳۲ ، شرکت در رفراندم مرداد ۳۲ و تظاهرات ۲۵ تا ۲۸ مرداد و ادامه این سیاست در دوره پس‌از کودتا بود ولی آنچه میبایست حزب‌توده بکند بهیچوجه با آنچه کرد مطابقت نمیکند .حزب توده میبایست پس از

سی ام تیر تدارک نیروهای سازمان یافته نظامی و شبه نظامی) برای مقابله با ارتجاع بخشم آمده‌بپردازد . با شناخت تحریفی‌که حزب توده از مصدق میکرد (او را محافظ‌کار و نهایتا "ساز شکار می‌شناخت که در خلع سلاح ضد انقلاب تابعیت و هوشیاری لازم را نشان نمیدهد) دیگر حق نداشت به حمایت گاه و بیگاه‌از اواکتفا کندو سرنوشت جنبش را به اقدامات او و جبهه ملی و اگذار کند ولی ایورتونیزم بیکرانی که رهبری حزب را در نوردیده بود ودر صفوف حزب ریشه های جدی داشت موجب شد که حزب توده از موضع سکتارلیستی چپ به موضع دنباله روی بیفتد ترس‌از ماندن مصدق از یکسو و دنباله روی سازشکارانه از سوی دیگر حزب توده را به اپورتونیزم راست‌دچار ساخت حزب توده برای توجیه‌تغییرسیاست‌خود با اشکال جدی در میان افراد روبرو شد اما نتوانست مناسبات‌خود را با مصدق برپایه‌های کاملا" اصولی بر قرارسازد .اختلاف‌بر سر نحوهٔ همکاری‌با مصدق در درون حزب پس‌از سی ام تیر ادامه یافت . طرح شعار " جبهه واحد به رهبری طبقهٔ کارگر" در مقابل جبهه واحد" بدون ذکر رهبری آن نموداری‌از برداشتهای مختلفی بود که از رابطه‌با مصدق وجود داشت . ما باین‌مساله در ذکر اختلافهای داخلی حزب‌توده خواهیم‌پرداخت مصدق و جبهه ملی نیز متقابلا" هیچگاه حاضر نشدند رسما همکاری حزب توده را بپذیرند، نتیجه این بود که حزب توده مناسبات‌روشنی‌با جبهه ملی و مصدق‌نداشت و بدنبال موقعیتهای مختلف ، روابط آنها تعیین میشد . سازمان‌جوانان حزب توده که یک نیروی سیاسی پرجوش و فعال بود ، قبلا" نیروی خود را صرف تظاهرات و اعتصابها میکرد ، در موضع حمایت از دولت نمی‌توانست آن جوش و خروش را در یک جریان سازنده در جهت جنبش رهائی‌بخش

هدایت کند . بامصادف شدن شش ماه آخر حکومت مصدق با تدارک جشن جهانی (فستیوال "به برگزارکردن گردشهای جمعی ، جمع آوری آثارهنری و کارهای دستی ، جمع آوری کمک و اعانه و سرانجام تشکیل کمیته ها و باشگاه های ایالتی و مجلسی " فستیوال" و برگزاری جشنهای ایالتی و فستیوال جهانی پرداخت . در حقیقت نیروهائی‌که‌میبایست از میانش یک نیروی نظامی‌انقلابی بیرون آورده شود و در ماههایی که سر نوشت خلق را کارزار تعیین میکرد حزب‌و سازمان جوانان آن در خرده کاریها و بی عملی غرق شده بودند . بدون توجه به‌برنامه حزب و سازمان جوانان در این ماهها و نحوه گذران سیاسی ومبارزاتی آنها و درک بی عملی حزب توده ، جریان کودتای ۲۸ مرداد غیر قابل فهم است جریان دیگری که در سال ۳۲ رخ داد ، اعتصاب کوره‌پزخانه هابود .

اعتصاب به رهبری‌حزب توده‌شروع‌شد و بیش از دو هفته ادامه‌یافت کوره پزخانه ها از طرف نیروهای مسلح محاصره شد . رساندن آذوقه به‌سی هزار کوره پز و خانواده های آنها بعهدهٔ کمیته های حزبی و سازمانی گذاشته‌شد . با پایان‌اعتصاب‌شور شوق ناشی از یک‌عمل سازنده فروکش‌کرد و روال قبلی از جشن و شادمانی" ادامه یافت . بهاس نقشی‌که حزب توده درجریان‌اعتصاب‌بازی‌کرده‌بود ، کوره‌پز ها بطور جمعی در میتینگ سالروز خیام سی تیر در بهارستان شرکت کردند . تضادهای جنبش با مرتجعین هر روز شدید تر میشد ، پس‌از ۹ اسفند که‌کودتائی بود و در نطفه خفه شد ، در شانزدهم اسفند مصدق اقدام به باز داشت مرتجعین از جمله اهدی کرد . مخالفان برای‌نشان دادن ضعف دولت ،افشار طوس رئیس شهربانی وقت‌را که از جانب مصدق گمارده شده بود (مصدق‌در عین حال

وزیر دفاع شده بود) ربوده و به قتل رساندند . دکتر بقائی که پس از ۳۰ تیر از مصدق بریده (ودشمن او شده بود) و در این ماجرادست داشت. به باز جوئی احضار شد . جنازه افشار طوس از غارتلوکشف شد .کاشانی نیز به مخالفت جدی با مصدق دست‌زد و در خانهٔ خوددر حضور طرفدارانش قسم‌خوردکه حتی‌اگر قرار باشد با امپریالیزم انگلیس همکاری کند ، مصدق را سرنگون خواهدکرد . مصدق‌که در معرض فشارهای سیاسی توطئه ها و مشکلات‌اقتصادی ومالی قرار داشت‌تصمیم گرفت‌سیصدملیون تومان‌اسکناس چاپ کند . مجلس‌به مخالفت پرداخت ، عبدالله معظمی‌ازهمکاران مصدق روش محیلانه ای‌پیش گرفت و معلوم شدکه علیرغم قیام سی ام تیر مجلس هفدهم برای مصدق و ملت همچنان موضع ضد انقلاب است .در تیر ماه نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورا استعفادادند در مرداد ماه مصدق انحلال مجلس را به‌رفراندم‌گذاشت در۲۵ مرداد ۳۲ انحلال مجلس اعلام شد و همان شب " کودتای اول‌مرداد آغاز شد و با شکست روبرو شد .

کودتای ۲۸ امرداد

در مرداد ۳۲ اشرف پهلوی که به تقاضای مصدق از کشور تبعید شده بود در پاریس با " آلن دالس " و " شوارتس" نمایندگان ایالات متحده جلسه مشترک تشکیل داد که دستور سرنگون ساختن مصدق را صادر کرد . شاه‌فرمان عزل مصدق را بدست‌نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی داد و خود با ملکه ثریا به کلاردشت‌رفت و منتظر نتیجه ماند . سرهنگ نصیری در نیمه شب ۲۵ مرداد افسران خود را در راس سربازان به خانه وزرای مصدق‌روانه کرد و چند تن از آنها را باز داشت کرد . (از جمله فاطمی که در سعد آباد

به همسرش تجاوز کردند) خود نصیری برای بازداشت مصدق رفت در آنجا با نیروی مسلح که به‌فرماندهی ممتاز از خانه نخست وزیر " محافظت میکرد روبرو شد . مصدق نصیری‌رافریب داد و باز داشت کرد و از همه وقایع آگاه شد نیروهای نظامی به فرمان نخست وزیر (که وزیر دفاع هم بود) به کاخ سعد آباد رفتند و اسرا را آزاد کردند . فرمان خلع سلاح گارد شاهنشاهی صادرشدو افسران‌ودرجه داران (سربازان‌گارد در سربازخانه های جمشیدیه و باغشاه و عشرت آباد و حشمتیه) باز داشت شدند . صبح روز ۲۵ شاه و ملکه با هواپیمای خصوصی از کلاردشت به بغداد گریختند . کودتای ۲۵ مرداد شکست خورد و با پخش شدن خبر کودتا ، تهران و شهرستانها بوجد آمدند . حزب توده که در ماههای قبل به خواب خرگوشی فرو رفته بود از شناخت مسئولیت‌خطیر خوددر این‌لحظات حساس بازماند و آخرین فرصت را برای آماده ساختن‌نیروهای خودبرای مقابله با ضد انقلاب از دست داد در عوض فرصت طلبانه‌به‌استفاده‌سطحی از موقعیت‌پرداخت‌و شعار جمهوری دمکراتیک) را مطرح کرد و افراد خود را به فروش علنی‌روزنامه‌مردم " و بر گزاری متینگهای‌موضعی‌بسود علنی‌شدن حزب و شرکت‌درتظاهرات خیابانی و پائین کشیدن مجسمه های‌شاه و نام‌گذاری خیابانهای‌تهران‌کشاند . برای مقابله با کودتا به تماس‌تلفنی‌با مصدق ونوشتن سر مقاله های پرآب و تاب چون " کودتارا به ضد کودتا تبدیل‌خواهیم‌کرد " و افشاگری از کودتا چیان و مرکز کودتا در روزنامه‌های‌خود اکتفاکرد . در روز ۲۶ مرداد بدون برنامه قبلی میان افراد توده ای پراکنده در خیابانها و افراد حزب ملت ایران (پان ایرانیزم فروهر) برخوردپیش‌آمد که برای اولین بار پلیس در آن بیطرف ماند . باشگاه حزب ملت ایران (در اول‌خیابان‌صفی علیشاه) مورد

تهاجم قرار گرفت و غارت شد .

مصدق که از تظاهرات خیابانی به ستوه آمده بود با این بر خورد دستور قطع تظاهرات را داد ، حزب دستور را پذیرفت و روز ۲۷ مرداد آنرا به کمیته های خود ابلاغ کرد . با آرام شدن خیابانها ، آخرین مانع از سر راه کودتاچیان برداشته شد و باین ترتیب بود که صبح روز ۲۸ مرداد کودتا با تظاهرات بی اهمیت او باشان حرفه ای و میدانی‌هاو دیگر افشا لمپنی شروع شد :رئیس شهربانی‌وقت ، سرتیپ دفتری که جزوکودتاچیان بود تا آنجا که توانست مصدق را خام کرد و وقتی نیروهای پلیس به‌تظاهر کنندگان پیوستند و کار بالا گرفت گفت که نمیتواند برای د ولت کار کند . دفتری نیروهای پلیس را ظاهرابرای سرکوب کردن تظاهرات‌می‌فرستاد ولی طبق برنامه قبلی ماموران‌به‌اوباش می‌پیوستند . کامیون‌های پلیس و بارکش مملو از اوباش و میدانی‌ها و پلیس از جنوب شهر حرکت میکردو شعار "زنده باد شاه " و شاه ــ شاه ــ شاه ــ شاه " را میدادند . درجه داران وافسران گارد شاهنشاهی که‌در سربازخانه‌ها باز داشت بودندسر به شورش‌برداشتند و به‌اسلحه خانه ها حمله ور شدند و مسلح به خیابانها ریخته و عازم خانه نخست وزیر شدند بدون اینکه به مانعی بربخورند . حزب توده بوسیدخدا بنده (از اعضای سر شناسی جمعیت ملی مبارزه با استعمار) چند بار با مصدق تماس‌گرفت و کسب تکلیف کرد . مصدق در تماسهای اول اعلام کرد که از دست من دیگر کاری ساخته نیست ، هرکاری میتوانید بکنید دراین موقع تماس توده های حزب با رهبری قطع بود . اصولا روابط مخفی اجازه نمیدادکه به فاصله چند ساعت ، افراد بسیج شوند . بخصوص که عصرروز قبل پس از سه روز تظاهرات دستور باز گشت به خانه به کادرها صادر شده

بود . اغلب مسئولین متوسط و افراد حزب و سازمان علیرغم مطالبی که از کودتا شنیده و خوانده بودند در شناخت واقعه سر در گم شدند و آنها نیز که بسرعت بخود آمدند و به بسیج افراد خود دست زدند موفق به ایجاد ارتباط با بالا نشدند (بطور کلی در حزب و سازمان جوانان ، ارگانهای رهبری در گفت و گو و موارد غیر رسمی ، بالا خوانده می‌شدند) اولین ارتباط ها عصر (از ساعت سه به بعد) برقرار شد رهبری خود قادر به اتخاذ تصمیم میشود . مسئولین سازمان جوانان در تهران که موفق به ایجاد تماس با افراد شده بودند دستور دادند که افراد با کلیه وسائل ممکن (سلاح سرد) در قرار عصر حاضر شوند . این تماس تا سقوط و غارت خانه مصدق ادامه داشت و بعد بدستور رهبری به روز بعد موکول شد تا ساعت دو بعد از ظهر هنوز خانهٔ مصدق بافرماندهی سرهنگ ممتاز مقاومت میکرد . سرانجام خانهٔ مصدق سقوط کرد و مصدق فرار کرد و خانه غارت شد . رادیو ایران (بی‌سیم پهلوی در جاده قدیم) حدود ظهر توسط نیروهای تیپ زرهی اشغال شد . فریادهای " زنده باد شاه " از آن برخاست .

سقوط رادیو اهمیت زیادی در یکسره شدن کار داشت . روز ۲۹ تماس حزبی و سازمانی بهتر شده بود . حداقل ۵۰٪ کادرها در سرقرارها حاضر بودند حزب تصمیم گرفت کادرهای ضربتی تشکیل دهد . افراد واجد شرایط (یعنی آنهایی که خدمت سربازی انجام داده بودند و قدرت بدنی خوبی داشتند) از واحدها جدا شدند و هر بیست نفر در یک خانه دور از چشم پلیس برای ضربه زدن به دشمن آماده شدند . افسران سازمان نظامی با شتاب باین خانه ها اعزام شدند تا تعلیمات لازم را به افراد بدهند برای هر بیست نفر دو اسلحه کمری و دو نارنک وجود داشت . این گروهها ۴۸ ساعت در

خانه ها به‌سربردند. عدهٔ قابل توجهی از افسران یکدیگر را شناختند و عده‌ای از آنها توسط افراد غیر نظامی‌شناخته شدند. با همهٔ اینها پس از ۴۸ ساعت این گروهها مرخص شدند و افراد که انتظار عکس العمل حزب را می‌کشیدند با بازگشت رفقایشان نومید شدند، طی این دو روز (تا روز ۳۱ مرداد) تماسها برقرا ربود. دو هر تماس اخبارو شایعات که اغلب در زمینهٔ پایداری نیروها در شهرستانها بود میرسید. مهمترین این شایعات عبارت بوداز:

قیام ایل قشقائی و حرکت بطرف‌شیراز، مقاومت ارتشی های اصفهان به حمایت از مصدق‌و حرکت آنها بطرف تهران، پایداری کلیه سازمانهای اداری و نظامی رشت. سرانجام خبر قیام افراد توده ای در گیلان و به جنگل زدن آنهارسید. ازمیان همه شایعات‌این خبر تاحدی واقعیت داشت وآن این بود که عده ای ازافراد و سازمان‌جوانان دز گیلان به جنگل رفتند و آماده عملیات جنگلی شدند. بعدها حزب بازحمت زیاد این افراد را از جنگل باز گرداند. سرانجام‌رهبری کودتارا انجام یافته دانست و عکس العمل خود را به‌بعد موکول کرد.

ضعف های حزب توده در کودتای ۲۸ مرداد بشرح زیر بود:

۱ ــ حزب توده‌علیرغم هشدارهائی‌که به‌مصدق میدادخود در مقابل کودتا غافلگیر شد.

۲ ــ گرچه حزب توده قبلا" نیروهای خود را آمادهٔ مبارزه نظامی نکرده بود معذالک" میتوانست در کود تای ۲۸ مرداد نیروهای موجود را وارد عمل کند. برخوردهای نظامی‌با کمک سازمان نظامی میسر بود وحتی اگر این برخورد به شکست میانجامید باعث میشد که اولا پروسهٔ‌سیاسی به

پروسه به سیاسی ـ نظامی تکامل پیدا کند. ثانیا" رسالت مبارزه رهائی بخش بدست نیروهای طبقه کارگر بیفتد. بنابر این مهمترین ضعف رهبری حزب توده هراس از عمل و بکار نبردن نیروهای خود در مقابله (توده‌ای نظامی) با دشمن بود ثالثا" . عناصر انقلابی در رهبری و ارگان های مسئول جای رهبری اپورتونیست را بگیرند.

۳ ـ رهبری حزب توده قادر نبود در لحظات حساس تصمیم بگیرد و اختلافات داخلی و بی شخصیتی فرصت طلبانه بر آنها غلبه میکرد.

۴ ـ نفوذ عناصر فرصت‌طلب در شرایط مبارزه نیمه علنی بدرون حزب توده که زمینه ادامه اپورتونیزم در رهبری است، باعث ضعف عمومی حزب در ماجرای ۲۸ مرداد شد بطور یکه در همان روزهای اول عده قابل توجهی از افراد ساده با واحدهای خود قطع تماس کردند.

۵ ـ پس از پیروزی کودتا رهبری حزب ازدرک اهمیت این پیروزی و نتایجی که ببار میآورد عاجزمانده و درصدد تجدید سازمان و تغییر برنامه‌های خود برنیامد. این ترتیب که اولا "اصرار داشت که همهٔ افراد خود را حفظ کند. ثانیا "بادست زدن به میتینگهای موضعی و پخش اعلامیه و شعار نویسی با کودتا مقابله کند. رهبران حزب توده فکر میکردند که همانطورکه "کودتای صغیر" ۱۵ بهمن مانع ادامه حیات حزب نشد. این کود تاهم "به خیر" خواهد گذشت. رهبری عملا" سیاست دفع الوقت آغاز حرکت خود را به تعویق انداخت و سرانجام پس از یکسال تعلل و دست زدن به تاکتیکهای نامناسب با باز داشت سازمان نظامی، ضربهٔ مرگبار دشمن بر سراسر حزب و سازمانهای وابسته به‌آن وارد آمد، قبل از آنکه رویدادهای پس از ۲۸ مرداد راتحلیل کنیم باید چند جنبه مختلف را از فعالیتهای و مسائل حزب

توده را بررسی کنیم .

حزب توده و مساله دهقانان

در برنامهٔ اولیه حزب توده از تقسیم اراضی صحبت شده بود بدون اینکه معین کند این اراضی باید مصادره شود یا با ز خرید شود . در برنامه های بعدی (در دوره مخفی) مصادره اراضی و تقسیم آن بمیان آمده است . اشتباه است اگربخواهیم مشی حزب توده در مورد دهقانان را در این برنامه‌ها جستجو کنیم . حزب توده از روز نخست از کارگر و دهقان حرف میزد . اتحاد کارگران و دهقانان از شعارهای دائمی حزب و سازمانهای وابسته به آن بود . ولی تماس عملی حزب با مسئلهٔ دهقانان گیلان ، مازندران و آذربایجان تحقق یافت . در شمال مصادرهٔ اراضی فئودالها توسط دربار و سپس سقوط رضا شاه یک رشته مسائل ارضی و دهقانی را بوجود آورده بود . بخصوص در گیلان که هنوز اداره املاک نتوانسته بود بلعیدن اراضی را خاتمه دهد (برخلاف دشت گرگان و ماندران شرقی که اداره املاک پهلوی زمینهای خود را ثبت کرده بود) این مساله جدی تر بود . دهقانان معتقد بودند که این اراضی متعلق به شاه بود و حالا که رفته است متعلق به خود آنهاست . مالکان این تحولات را نپذیرفتند وخود را صاحب اراضی دانستند بهرهٔ مالکانه مطالبه میکردند . در سال ۲۰ اجاره های اداره املاک پرداخته شد و نه بهرهٔ مالکانه اربابها که آغاز به بازگشت کرده بودند . درسال ۲۱ بر سر بهرهٔ مالکانه برخوردها ادامه یافت وبا توجه به اینکه این نواحی در اشغال ارتش سرخ بود ، بکار بردن نیروی نظامی برای سرکوب کردن دهقانان به

آسانی میسر نبود . معذالک در اغلب نواحی طی سالهای ۲۱ تا ۲۳ مالکان توانستند بهره دریافت دارند (سیاست جنگی شوروی هامبتنی بر حفظ امنیت در گرما گرم جنگ اجازه‌نمی‌دادکه این جنبشها راحزب توده تقویت کند .) از سال ۲۳ اتحادیه های دهقانی در گیلان آغاز به رشد کرد . اتحادیه‌ها با حمایت‌و سازماندهی‌حزب‌توده‌تشکیل شد و در میان دهقانان نفوذ کرد . مراکز اتحادیه ها ، در روستاها بود آگاهی دهقانان گیلان و بر خوردهای‌یاد شده ، در سالهای ۲۰ تا ۲۳ زمینه‌مساله تشکیل اتحادیه بود و استقرار ارتش سرخ‌موقعیت مساعدی‌برای گسترش کمی کیفی آنها را بوجود آورد . دهقانان به تدریج حالت‌تهاجمی‌بخودگرفتند ،در سال۲۴ استنکاف از پرداخت بهره مالکانه شروع شد . در سال ۲۵ (مقارن فرقه دمکرات) ارباب را از ملک راندند و حتی تهاجمهای خوئین نسبت‌به آنها روی‌داد . در این تهاجمات ، مهاجمینی را که ارتش یا ژاندارمری گرفته بود (به تعداد کم) در اختیار رهبران کمیته ها گذاشت . پس از خروج ارتش سرخ دستجات‌مجازات مسلح از طرف اوباش‌و مرتجعین دولتی تشکیل شد . حزب جنگل (۱) و مرکز آن در چالوس‌بود ، اوباش و وابستگان ارباب (مباشران ، چارو اداره‌ها ، کدخداو مانندآنها)رامتشکل‌کرده زیر حمایت ژاندارمری به نواحی زیراداره دهقانان‌گسیل‌داشت . این برخوردها طی چند ماه ادامه

---

(۱) ــ حزب جنگل یک داور دستهٔ ارتجاعی بود که در سال ۲۵ در گیلان و مازندران فعالیت میکرد و موسسین آن عده ای از مالکان بزرگ و نظامیان مرتجع بودند مثل : بهار مست ، حسین خان زال ، جعفر خان ر شوند و صوفی و . . .

یافت ولی پس از آذرماه ۲۵ که تهاجم عمومی ارتجاع آغاز شد . تعقیبها و کشتارها ، تجاوزها ، یغما وآتش زدن‌ها به مقداری وسیع اعمال‌شد . فعالان جنبش فراری شدندو عده ای جان خود را از دست دادند ، جعفر خا ن ر- شوند رئیس ایل جلیلو از ناحیه اشکور ورود باز گذشته و به پشتیبانی فئودالها ریاست پاک کردن منطقه رانکوه را بعهده گرفت . " از رود سر تا لاهیجان " با چنین ترتیبی طبیعی ترین وجدی ترین کوشش حزب توده در بر پا کردن جنبش دهقانی سرکوب شد .

در آذربایجان طی سالهای ۲۳ تا ۲۴ یعنی قبل از تشکیل فرقه در مناطق مساعد کمیته های حزب توده دست‌به تشکیل اتحادیه های دهقانی زد . در اطراف مراغه ، آذر شهر و رضائیه این کوششها نتایج مساعدی بدست دادند . زمینه های‌جنبش دهقانی‌درآذربایجان پس ازتشکیل فرقه . استخوانبندی نیروی فدائی را بوجود آورد . در آذربایجان نیز استقرار ارتش سرخ عامل موثری در برپا کردن این جنبشها بود سرانجام جنبشهای دهقانی آذربایجان باشکست فرقه‌دمکرات به‌خاموشی گرائید‌ه‌پس از تجدید سازمان از سال ۱۳۳۰ حزب توده دوباره برنامه های دهقانی خود را از سر گرفت ولی‌ازهمان‌اول با کمبودامکان‌روبرو شد . شرایط مخفی ، نزدیک شدن حزب توده به دهقانان‌را مشکلترکرده بود و مهمتر از آن پس از سرکوبی در سالهای۲۵ و تا۲۶ جنبش‌هاخودبخود فروکش‌کرده و توده‌های دهقان‌حتی درنواحی‌رکود ونومیدی بسر می‌بردند . حزب توده و سازمان جوانان‌اقدام به اعزام واحدهای (اکیپهای) گارد دهقانی از شهر به روستا می‌کردند تقریبا " در تمام موارد نتیجه کار این واحدها نزدیک به سفر بود . واحدها در روزهای تعطیلی در دسته‌های هفت ، هشت نفری تا بیست ، سی‌نفری‌به

روستاهائی‌که‌اغلب هیچگونه‌رابطه قبلی‌باروستائیان آنجا نداشتند میرفتند و در زمینهٔ‌نقش اربابها و ضرورت‌گرفتن زیمنها صحبت می‌کردند . ژاندارم آدتخدا مباشر و ملاهای ده دشمنان پیگیر این اکیپها بودند و اغلب کاربه کتک خوردن و بازداشت شدن همه می‌رسید .

عامل شکست این اکیپها عبارتند از :

۱ ــ عدم وجود جنبش های خود بخودی در روستا .

۲ ــ نداشتن تماس ریشه دار و درونی با روستائیان .

۳ ــ نشناختن‌روحیه روستائیان وعدم‌توجه به عوامل سنتی و فرهنگی روستائیان . اکیپهای‌حزبی که‌افراد آن متین‌تر بود حتی از تظاهر مذهبی خواندن نماز نیز کوتاهی نمیکردند ولی اکیپهای سازمان جوانان ، اغلب دچار چپ روی و رم دادن روستائیان میشدند .

۴ ــ نداشتن امکانات قانونی و علنی باعث میشد که این کوشش‌در مقابل آنچه باید انجام پذیرد بسیار حقیر و نارسا از کار در آید .

باهمه اینها پس از آنکه‌مصدق‌در شهریور ۳۱ قانون ۲۰٪ بهرهٔ مالکانه والغای‌سوروسات‌رااعلام‌کرد (۱) همزمان‌با اوج گرفتن‌جنبش ضدامپریالیستی

---

(۱) قانون ۲۰٪ بهره مالکانه برای جلب رضایت‌دهقانان در مبارزه با مالکان بزرگ بموجب اختیارات مصدق وضع شد . روحانیون از جمله کاشانی با لایحه مخالفت میکردند و در راه اجرای آن کار شکنی مینمودند سرانجام در سال ۳۲ این قانون را فسخ کردند و آن را از ارزش انداختند. به موجب این قانون را ۱۰٪ بهره مالکانه به دهقانان و ۱۰٪ برای مصارف عمومی روستا به انجمن ده تعلق میگرفت .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

و درست درموقعیکه جنبش از جنبهٔ ضدامپریالیستی صرف به جنبه فئودالی (دربار و مرتجعین) و ضد امپریالیستی دهقانی در مناطق آماده تر به نضج گرفتن کرد ، اینبار نیز گیلان در پیشاپیش سایر مناطق حرکت میکرد . نقطه‌اوج جنبش دهقانی گیلان در برخوردهای خونین درلشت نشا "بود که دهقانان بطور دسته جمعی به رشت آمده و در آنجا با نیروی مسلح برخورد کردند . استنکاف‌ازدادن بهرهٔ مالکانه در دیگر مناطق نیز بندرت بچشم می‌خورد . رمز موفقیت حزب توده در این موارد داشتن پیوند درونی با دهقانان بوداین پیوند اصولا بصورت‌رابطه کارگران و دیگر زحمتکشان شهر با محل زادگاه خود و بستگانشان انجام میگرفت ، همچنین ، دموکراسی سالهای ۳۱ ـ ۳۲ اجازه‌میداد که‌حزب توده با دست بازتری در این‌مناطق عمل کند . با کودتای ۲۸ مرداد نه فقط جنبش‌درشهر سرکوب شد بلکه در روستانیز ارتجاع بدون هراس ازمجازات جنبشها ، تمایلات ضد فئودالی ریشه کن ساخت .

درباره‌ٔ اختلافهای داخلی حزب توده

کنگره دوم (در سال ۲۷) که پس از انشعاب در پرتو جهاد بر ضد انشعابیون برگزار شد ، نتوانست اختلافهای درونی را نابود سازد بزودی پس از تجدید سازمان ، یک جناح بندی تازه در حزب خودنمائی میکرد . این جناح بدنبال اختلافهای‌دوره علنی (وقتی‌اختلافهای‌پیش از انشعاب ملکی) بود . در یک طرف احمدقاسمی‌کیانوری و امان قریشی و اکثریت‌قاطع اعضای کمیته ایالتی ودر طرف دیگر ، یزدی ، جودت ، شرمینی ، علوی و

اکثریت قاطع کمیته مرکزی سازمان جوانان قرار داشتند. این جناحبندی خطوط ممیزه روشنی نداشت ، لیکن بطور کلی جناح قاسمی ـ کیانوری تمایلات تذیری داشتند. آنها روی معیارهای تشکیل حزب و ضرورت ایدئولوژی طبقه کارگر تاکید بیشتری میکردند و باعناصر قدیمی بر سر این معیارها اختلاف داشتند. در مقابل جنبش ملی ، این جناح چپ روتر بود و در تعیین خصوصیات مصدق و جبهه ملی در دوره اول نقش مهمی بازی کرد و در جدائی حزب توده از جبهه (که دلایل و زمینه های آن قبلا" مورد بررسی قرار گرفته) نقش بیشتری داشت. کیانوری در راس کمیسیون تعلیمات و قاسمی در واوس تشکیلات کل شهرستانها (تکش) قرار داشت . این دو موقعیت مهم اجازه داد که . اولا" ـ نظرات این جناح در حوزه‌ها و کمیته های حزب مورد قبول قرار گیرد و ثانیا" مسئولات شهرستانها از طرفداران این جناح برگزیده شوند. بهمین منظور تقریبا" تمام اعضای کمیته ایالتی تهران که میبایست مسئول کمیته های محلی تهران باشند به شهرستانها اعزام شدند مهمترین استانها و ولایتها در اختیار آنها قرار گرفت که با تجدید نظر نسبت به جبههٔ ملی (قبلا" دلایل آن ذکر شد) موقعیت این جناح‌به خطرافتاد. قاسمی درسال ۱۳۳۱ برای‌شرکت در کنگره نوزدهم (بعنوان یکی از اعضای هیئت نمایندگی حزب) به خارج رفت و جای او را در هیئت اجرائیه مهندس علوی گرفت. (هیات اجرائیه از این افراد تشکیل شده بود :یزدی، جودت . کیانوری ، قاسمی ، بهرامی ، که نفر آخر چون بین دو جناح بیطرف بود عنوان دبیرهیات اجرائیه را داشت ولی چندان اعتباری در هیات نداشت. نادر شرمینی بی آنکه به عضویت هیات اجرائیه در آید با علوی همکاری کرد و طرفداران جناح کیانوری ـ قاسمی

را از مسئولیت شهرستانهای مهم باز گرداندند و در راس کمیته‌های محلی تهران گماردند.

پس از اینکه شعار "جبهه واحد" اعلام شد. دو جناح اختلاف خود را روی آن پیاده‌کردندجناح کیانوری‌قاسمی‌تاکید داشت که "جبهه واحد" باید به رهبری طبقه کارگرشکیل‌شود و جناح مقابل‌از ذکر رهبری خود داری می‌کرد و طبیعی است که این تاکید ناشی از ادامه همان چپ روی ناشی بود و شعا رجناح مقابل، با توجه بدست بالائی که جبهه ملی داشت و حکومت مصدق به‌واقعیت نزدیکتر بود.

بر سر تعیین خصوصیات حزب و نام آن نیز اختلافی وجود داشت جناح تندرومعتقدبود که‌حزب توده‌حزب طبقه کارگرایران‌است‌وجناح مقابل معتقد بود که حزب توده‌ٔ حزب طبقه زحمتکش" است این دو اختلاف که اساسی‌ترین اختلاف‌دوجناح بود آنها را در موضع چپ و راست‌قرار میداد. همان قدرکه جناح قاسمی ـ کیانوری در چپ و راست قرار میداد. همان قدرکه جناح قاسمی ـ کیانوری در چپ روی دوره اول (رابطه بامصدق) موثر بود جناح دوم در راست‌روی ودنباله روی در مرحله دوم اثر گذاشت. با همه اینها عواملی وجودداشت که مانع‌از شناخت قطعی دو جناح بعنوان جناح چپ و راست میشود. این عوامل از این قرار ند.

الف ـ موقعیت‌و تاکتیک‌سازمان جوانان‌که در بست به‌اختیار شرمینی قرار داشت، برخلاف اساسنامه و مناسبات رسمی که میبایست با حزب داشته باشد تبدیل به یک سازمان نسبتا "مستقل شده و مقررات سنی در آن رعایت نمی‌شد. (عضویت در سازمان جوانان بین ۱۳ تا ۲۰ سالگی مجازبودحال‌آنکه مسئولین ساده سازمان‌تاسن ۲۳ سالگی‌ومسئولیت‌مهمتر

برای همیشه در سازمان میماندند . (تقریبا تمام مسئولین دو عضویتی بودند یعنی در آن واحد عضو حزب و سازمان بودند) کمیتهٔ مرکزی سازمان جوانان با تعصب از جناح یزدی ، جودت ، شرمنی که اکثریت رهبری حزب را برخود داشت حمایت کرد . کمیته جناح مخالف را دائما در کارهای خود و رسوخ میداد و دو جناح یکدیگر را "منشویک" خطاب میکردندو پس از واقعه هشتم فروردین ۳۱ شدیدترین برخورد بین سازمان جوانان و جناح مخالف روی داد . بطوریکه از تهدید علنی یکدیگر خودداری نمی‌کردند . سازمان جوانان در حالیکه از جناح راست حمایت میکرد در اغلب موارد دست به ماجراجوئی می‌زد و کارانی افراد آن درمجموع به کارآئی حزبیها می‌چربید . انضباط و تعلیمات ایدئولوژیک در سازمان جوانان سطحی بالاتر از حزب داشت . سازمانی که میبایست از هر نظر پایین تر از وضعیت حزب باشد ، تقریبا " در تمام موارد بر حزب می‌چربید . برای تظاهرات ، افراد سازمان خیلی سریع بسیج میشدند . در برخورد پلیسو سربازان فقط کارگران حزبی بر آنها پیشی داشتند و اکثریت افراد حزبی از آنها عقب تر بودند . طرح شرمینی این بود که با انحصارکردن سازمان جوانان و تربیت سیاسی و سازمانی افراد آن ، آینده حزب را برای خود و جناح خود تعیین کند و این خطری جدی برای جناح مخالف بود . بهمین دلیل در هر فرصت سعی میکردندنفوذ شرمینی رادر سازمان جوانان از بین ببرند ، او را رسما از سرپرستی سازمان برداشتند ولی در عمل هیچ نتیجه‌ای بدست نیاوردند . نفوذ شرمینی تا پائین ترین کادرهای مسئول سازمان جوانان رسوخ یافته و بر خلاف حزب که اختلافهای داخلی در صفوف پائین آن مطرح نمی‌شده در اینجا مسئولان جزء هم از قضایا باخبر بودند . خصوصیات سازمان جوانان و تاکتیکهای آن اساسا "

می‌بایست با افکار جناح مخالف یکی باشد و این یک جنبه از غیر اصولی بودن جناح جنبدی درونی حزب بود. واقعیت این بود که شرمینی دارای تمام خصوصیات تندروی چپ نمائی بود. در جناح قاسمی ـ کیانوری امثال او زیاد بودند، حال آنکه قدیمی ها به اصطلاح پیرو پاتال ها به یک جوان مثل او احتیاج داشتند. در این جناح رهبری آینده او، مسلم بنظر میرسید. اکثریت رهبری نیز که اغلب در خارج بودند با این جناح بود. جنا حنبدی بیشتر، باند بازی" عناصر رهبری بود وبر سر اشغال پستهای حزبی وبدست آوردن نفوذ بیشتری، ولی این باندبازیها جنبه‌های ایدئولوژیک یافته و نمودهای سیاسی پیدا میکرد.

ب ـ عامل دوم ترکیب دو جناح از نظر منشاء و سوابق افراد آن است جناح قاسمی ـ کیانوری اغلب از کمونیستهای جوان بودند که در جنبشی کمونیستی سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ سوابقی نداشتند. خصوصیات روشنفکرانه آنها نیز بر جناح مخالف می‌چربید. علیرغم تاکید ایشان روشنفکرترین کادرهای خائن حزب در صف آنها جا داشت و از همه عجیب تر اینکه در بکارگرفتن افرادکارگر و رشد دادن مسئولان کارگر کوشش بعمل نمی‌آوردند. گرچه این خود نموداری از زمینه های مادی راست روی در این جناح است ولی این پدیده باشعار ها و برداشتهای آنها وفق نمیداد. حاکمیت جناح یزدی ـ شرمینی مقارن بودباتوجه به ترکیب طبقاتی حزب و دگرگون ساختن نسبت کارگران به روشنفکران در سطح مسئولان متوسط حزب و سازمان جوانان که در سال ۳۱ بطور مکانیکی به عناصر کارگر توجه شده و کوشش بعمل آمد که کارگران مسئولیتهای بیشتری بعهده بگیرند. این پدیده که ناشی از عدم شناخت طبقه کارگر ایران و بی توجهی به کیفیت واقعی کادرهای کارگر در

حزب و سازمان جوانان بود باعث شد که مسئولین متوسط و نسبتا" بالای حزب در یک‌مساله ۳۱ تا ۳۲ مرداد از عناصر بی تجربه و فاقد خصوصیات لازم تشکیل شود . و ضرف کارگر بودن ملاکی برای مسئولیت بشمار برود و در نتیجه تعداد مسئولان بله قربان گو افزایش یابد و در واقع این کادرهای تازه کار اغلب بصورت مهره ای در دست روشنفکران بالائی بکار می‌رفتند . حداقل میتوان گفت که این دگرگونی هیچگونه بهبودی در روابط رهبری و توده های حزبی بوجود نیاورد و اثر مثبتی در مقابله با رهبری فرصت‌طلب برجای نگذاشت حتی شکست ۲۸ مرداد به اختلافهای داخلی خاتمه نداد کیانوری روی عکس العمل فوری تاکید میکرد از جمله اقدامات این جناح انتشار اعلامیه ای به امضای کمیته ایالتی در آبان سال ۳۲ بود که طی‌آن دشمن به انتقام تهدید شد و همه کسانیکه بر ضد مردم و حزب دست به اقدام بزنند (مثل روزنامه نویس‌هااعضای دادگاهها و غیره) به مجازات وحشتناک تهدید شده بودند ولی همانطور که میدانیم این تهدید ها زمینه مادی در حزب نداشت و بیشتر بلوف بود تا عمل ، گذشته از این ، این عمل خود سرانه انجام گرفته و موافقت هیات اجرائی را کسب نکرده بود بنابر این هیچ عملی‌بدنبال‌نیاورد . پس ازآنکه کیانوری‌وجودت به رهبران خارج پیوستند اختلاف در زمینه های دیگر ادامه یافت . سرانجام درجدا شدن چین از شوروری‌وبروز اختلاف در جنبش جهانی ، این جناجبندی به انشعاب درسازمان حزب توده و در خارج از کشور انجامیدو قاسمی و فروتن و همکارانش از بقیه جدا شدند . کیانوری در این مرحله از قاسمی جداشد . رسیدگی به پروسه های خارج از کشور و از جمله سازمان حزب توده که دیگر بمثابه یک "حزب" شناخته نمی‌شد در فصلهای بعد خواهدآمد . گرچه پس

از ۲۸مرداد تا اواخر سال ۳۴ حیات‌حزب توده‌در داخل کشور ادامه‌یافت معذالک ۲۸ مرداد نقطه عطفی در زندگی حزب توده در جنبش ملی بود بنابراین بتوضیحاتی که در باره حزب توده داده شد نتیجه میگیریم :

اولا" ـ حزب توده از همان اول تاءسیس خود جانشین یک جریان کارگری شد یعنی علیرغم تمام انحرافات‌و اشتباهات ، رهبری جنبش‌طبقه کارگر را بدست گرفت ، یعنی عملا نقش پیشاهنگ را بعهده گرفت . درواقع بهمین دلیل است که پروسه‌حیاتی‌ومبارزات‌حزب‌توده‌از دیدگاه مارکسیستی موردبررسی قرار گرفته و اپورتونیزم درونی این حزب مورد مطالعه و انتقاد قرار میگیرد .

ثانیا" ـ حزب توده‌در طول دوازده سال‌از یک حزب دمکراتیک بیک حزب طبقه کارگر تکامل یافت ولی این حزب طبقه کارگر فاقد خصوصیات انقلابی بود و اپورتونیزم در رهبری و صفوف حزب ریشه عمیقی داشت .

ثالثا" ـ با از دست رفتن نفوذ حزب توده در میان مردم و از جمله در صفوف زحمتکشان‌و باقطع فعالیت سازمانی‌و سیاسی این حزب در داخل کشور ، نقش این حزب بمثابه پیشاهنگ طبقه کارگر ، اگر چه فرصت طلبانه و غیر انقلابی بود ، خاتمه‌یافته است . بقایای‌حزب در داخل کشور وخارج از کشور به هیچوجه به منزلهٔ ادامهٔ حیات پروسهٔ پیشاهنگ طبقه کارگر تلقی نمیشود .اینک قبل‌ازاینکه به ادامهٔ‌حیات حزب‌توده ودیگر جریانهای پس‌از ۲۸ مرداد بپردازیم ، باید پروسهٔ جبهه ملی و مبارزات مصدق را مورد مطالعه قرار دهیم :

دوم ــ جبهه ملی و مصدق در جنبش ملی کردن نفت

محمد مصدق در یک خانواده‌اشرافی بزرگ شده و در فرانسه در رشته حقوق دکترا گرفته بود. مصدق پس از بازگشت به ایران تمایلات ملی از خود نشان داد و در پایان جنگ جهانی اول در جریان قرار داد ۱۹۱۹ چهرهٔ او آشکار شد ولی در این دورهٔ جناح ملیون چهرهٔ‌های سرشناس تری از مصدق دارد. در کودتای ۱۲۹۹ هنگامی که سید ضیاالدین نخست وزیر میشود و دستور بازداشت رجال قاجار را صادر میکند، مصدق والی فارس بود و هنگامی که به تهران احضار شد در اصفهان مسیر خود را عوض کرد و به چهار محال بختیاری رفت. پس از سقوط کابینه‌صد روزه وتشکیل کابینه قوام، مصدق پست وزارت دارائی را بعهده گرفت. باتوجه به‌موضعی که ملیون در مقابل‌جنبشهای‌انقلابی‌آن دورهٔ داشتند مصدق در مقابل‌جنبش

جنگل و قیام کلنل و مانندآن روشی " اعتدالی و لی محافظه کارانه" داشت (در مقابل رضاخان ، ملیون مدتها روش محافظه کارانه داشتند .) مدرس که سرشناس ترین چهرهٔ این دوره بوددر ابتدای امر سعی کرد از تضادهای رضا خان با دربار استفاده کند . ملیون نمی‌توانستند عواقب سیاست خود را پیش بینی کنند و موقعی واقعیت را درک کردند که دیگر دور کردن رضا خان از قدرت ، در توانائی آنان نبود . مدرس و همکارانش میخواستند رضا خان را با " پولیتیک " از میدان بدر کنند ولی دستهایی که رضاخان را روی کار آورده بودند در استفاده از مانورهای دیپلماتیک و برپا کردن صحنه های فریبنده‌برشاگردان مکتب دیپلماسی " امین السطان " و " موتمن الملک " (۱) استاد تر بودند . با همین معیارها بود که مصدق در مجلس سیاستمدارانه به مخالفت با سلطنت رضا خان میپردازد و اظهار میداردکه چون رضاخان (که سردار سپه و نخست وزیر بود) مرد لایق و کاردانی است و با نشستن او برجایگاه سلطنت ، ملت ایران نمیتواند از این لیاقت بهره مند شود . بهتر است رضاخان شاه شود و در همان سمتهای خود بماند سرانجام رضاخان حاکم شد و دیکتاتوری خود را برقرا رکرد . مصدق‌خانه نشین شد و منتظر حوادث ماند . هنگامیکه متفقین وارد ایران شدند و رضا شاه سقوط کرد مصدق بیش از شصت سال داشت و این امتیاز را بر دیگران

---

۱ ـ مقصود یکی کردن امین السطان با موتمن الملک نیست . بلکه توجه دادن به روشهای‌سیاسی و دیپلماسی کهنه و فرسوده‌ای بود که رجال آن دوره در هر سنی‌که بودند بکار می‌بستند . آثار این " دلقک بازی " تا سالهای پس از شهریور ۲۰ نیز در جهان سیاسی دیده میشود .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

داشت که از دوره " صنیع الدوله " و " موتمن الملک " تا مدرس در صف ملیون مبارزه کرده‌بود . برای مردم‌تهران بخصوص ، برای قشرهای بازاری و کسبه که قدیمی تربودند . (تهران‌در دوره رضاشاه رشد زیادی کرده بود و جمعیت زیادی از شهرستانها به تهران آمده بودند) باین ترتیب پس‌از شهریور ۲۰ مصدق دوباره پا به‌میدان‌گذاشت . در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی مصدق از تهران نامزدشدو بعنوان‌اولین نماینده‌تهران انتخاب شد . در مجلس عده ای از نمایندگان منفرد و نمایندگان عضو حزب ایران گرد او جمع‌شده بودند ومصدق سخنگوی آنها بود . اولین مساله ای که در مجلس چهاردهم موضع مصدق را روشن کرد اعتراض به اعتبار نامهٔ سید ضیاالدین طباطبائی‌بودکه مصدق طی سخنرانی بجای‌خود پرده از کودتای ۱۲۹۹ و نقش سید ضیا در آن برداشت . بر سر این‌مسالهٔ فراکسیون حزب توده ، در کنار مصدق بودولی مصدق مانورهائی در مجلس داد تا جدائی خود را از این فراکسیون آشکار سازد . در مجلس چهاردهم ، امتیازنامهٔ " استانداردداویل کمپانی " مطرح شد که مصدق با آن مخالفت ورزید . (۱) و نه فقط برعلیه آن بلکه برعلیه شرکت نفت ایران‌و انگلیس و امتیاز نفت جنوب نیز صحبت کرد . هنوزمدتی ازاین‌ماجرا نگذشته بود که مساله امتیاز نفت شمال پیش‌آمد . دراینجامصدق به‌روش خودادامه‌داد . اما فراکسیون خود ادامه داد . اما فراکسیون حزب توده خطائی بزرگ مرتکب شد و از امتیاز نفت شمال در بست حمایت کرد . در اینجا مصدق و حزب توده در

۱ــ سخنرانی معروف مصدق در مورد امتیاز نامه استاندارد اویل کمپانی در ۷ آبان ۱۳۲۳ در مجلس چهاردم انجام گرفته

مقابل هم قرار گرفتند . ولی مصدق برای اینکه مخالفتش با قرار داد حمل بر مخالفت با شوروی که در مقابل آلمان هیتلری می‌جنگید نشود ، طی نامه ای به سفیر شوروی، در ایران موضع خود را در باره نفت روشن کرد . مصدق در این نامه پس از تشریح رابطه ایران با شوروی و تائید فعالیت یعنی همزیستی و کمک برادرانه شوروی جوان به تهران ، صرفنظر کردن از کلیه مطالبات دولت تزاری و الغای قرار دادهای یک جانبه ، به دولت شوروی توصیه میکرد که پیشنهاد امتیاز نفت شمال را پس بگیرد و بجای آن پیشنهادی برای کمک به دولت ایران برای استخراج نفت در شمال بدهد .فشردهٔ پیشنهاد مصدق این است که دولت شوروی وام .برای (که همه از شوروی تهیه شود .) با این وام شوروی نفت شمال استخراج و انحصرا" به نرخ مبادله (بنابر بازارروز) به شوروی فروخته میشود . وام شوروی و بهرهٔ عادلانه آن از این طریق مستهلک خواهد شد .این پیشنهاد ها که امروز برای دولت شوروی حداکثر چیزی است که ممکن است در یک کشور به آن برسد (با توجه به انحصار فروش محصول در شوروی) و در اغلب موارد بدون توجه به ماهیت رژیم طرف معامله خود قرار داد . هائی به مراتب سودمند تراز نظر کشور طرف قرارداد (مثلا "ایران با مصر ومانند آن) امضاء می‌کند ، با بی‌اعتنائی شوروی ها روبروشد و انعکاس ایادی هم نیافت . موضع مصدق در ایران در این مورد نشان دهندهٔ موضع ملی اوست .

پس از تشکیل فرقهٔ دمکرات ، مصدق خواسته های عمومی فرقه را در زمینه زبان مادری و مصرف مالیاتها و تشکیل انجمن ایالتی با روح قانون اساسی مطابق دانسته ، خواستار رسیدگی به آنها شد ولی هنگامیکه فرقه دمکرات حکومت را در دست گرفت و خود مختاری اعلام کرد و "توافق قوام "

با شوروی ، مسأله نفت شمال را بنا بر پیشنهاد "کافتارادر" حل شد ، مصدق از میدان خارج شد ، حال آنکه در حبس دوره حزب ایران با حزب ایران باحزب توده و فرقه دمکرات‌جبهه دمکراتیک را تشکیل داد و رسما" همکاری میکردند باوقایع آذربایجان و تهاجم ارتجاع بدنبال آن ، مصدق یک یک دوره کم فعالیتی را گذرانید . دورهٔ تازه خود را با فعالیتهای انتخاباتی‌دوره شانزدهم شروع کرد . در ۲۲ مهر ۱۳۲۷ مصدق به اتفاق دوازده نفر از طرفداران سرشناس خود در کاخ مرمر متحصن شده و بعنوان اعتراض به‌جریان انتخابات دوره شانزدهم دست به اعتصاب غذا زدند . اعتصاب‌چهار روز طول کشید و بدنبال این جریان در سیزدهم آبان ،هژیر و زیردربار در مسجد سپهسالار بدست امامی از فدائیان اسلام (که قبلا" کسروی را کشته بود) .ترور شد . بازار وکسبه ، هیجان آمدند و علیرغم اختناقی که‌پس از ۱۵ بهمن بر قرار شده بود مردم شهری تمایلات مخالفت آمیز خود را نشان میدادند . در چنین جوی بود که جرج مک کی " ازطرف وزارت خارجه آمریکا به تهران آمد و نظرات آمریکا را برای مقامات ایرانی توضیح داد . آمریکا که پس از وقایع آذربایجان در ایران نقش موثری پیدا کرده بود ، پس از سرکوبی حزب توده می‌خواست رسما" از منابع نفت و موقعیت‌سیاسی‌ایران سهم خود را بدست آورده . هیجدهم آبان‌انتخابات دورهٔ ۱۶ هم ابطال شد و فرمان تجدید انتخابات صادر شد .

تضادهای آمریکا و انگلیس رو به رشد بود . شوروی که ضامن داخلی خود راازدست داده بود بایدبینی به وقایع می‌نگریست‌و جریانهای داخلی را که حزب‌توده در آن نقشی‌نداشت‌به مثابه از کاس‌تضادهای امپریالیستی میشناخت . در اواخر اسفندسال ۱۳۲۸انتخابات انجام شد و مصدق و

همکارانش به نمایندگی تهران انتخاب شدند . حزب توده که مشغول تجدید سازمان خود بود . این انتخابات را تحریم کرد .

وقایعی که از این پس میآید کم و پیش در شرح فعالیتهای حزب توده بدون پرداختن به زمینه عمومی جنبش غیر ممکن است . پس ما در اینجا فقط روی آن جنبه های ویژه مبارزات مصدق وجبهه ملی تاکید میکنیم .

تا اینجا خصوصیات مصدق و مبارزات او چنین است :

۱ ـ مصدق بعنوان عنصری ملی یعنی ناسیونالیست با تمایلات ضد استعماری شناخته میشود .

۲ ـ مصدق و همکارانش از سازمان دادن مبارزات توده ای در طی این سالها خود داری کرده و به روشهای عرفا سیاسی آنهم در چهار چوب امکانات قانونی توسل جسته‌اند .

۳ ـ در حرکت مجدد مصدق و یارانش تضاد آمریکا و انگلیس زمینه مساعدی ایجاد کرده بود و مصدق به این امر آگاهی کامل داشت . استفاده از یکسو و کمبودهای مبارزهٔ توده ای در جناح مصدق و همکارانش از سوی دیگر ، خاطرات بدی که عناصر آگاه از سیاستبازیهای پشت پردهٔ داشتند ، زنده میکرد و این امر در موضعگیری انحرافی حزب توده نسبت به مصدق تاثیر داشت . مذاکرات نفت بین "گس" نماینده شرکت نفت انگلیس و گلشائیان وزیر دارائی ایران در مجلس شانزدهم مشکل شد و به مهمترین مسالهٔ و سفت کردن مهار مردم که تحت تاثیر وقایع چند ماه گذشته شل شده بود . در سوم تیرماه ۱۳۲۹ بجای منصور نخست وزیر شد . رزم آرا از مذاکرات "گس ـ گلشائیان" حمایت می‌کرد . مذاکرات به نتیجه ۵۰ ـ ۵۰ رسیده بود . فرمول ۵۰ ـ ۵۰ فرمولی بود که کارتل جهانی نفت ، پس از جنگ

دوم برای انعقادقرار دادها و گرفتن امتیازهای تازه در خاور بکاربسته بود (از جمله‌در موردنفت عربستان این فرمول ازجانب کمپانی های آمریکائی بکاربسته شده بود) رزم آرا توافق را حداکثر چیزی میدانست که در دست امکان بوده است . مصدق حمله خود را به توافق نامه جدید شروع کرد و در سال ۲۹ بر سر مساله نفت رزم آرا را استیضاح کرد .

مساله نفت در مجلس هر روز داغ تر میشد و سرانجام در ۱۳ اسفند ماه (۱۳۲۹) مصدق که ریاست کمیسیون نفت مجلس شورا را بعهده داشت بجای‌اعلام نظر درباره توافقنامهٔ گس‌ـ گلشائیان "پیشنهاد ملی شدن‌نفت رادرمجلس به میان آورد . مردم گوشه‌بزنگ‌وقایع بودند ومایندگان طرفدار مصدق از مدتی قبل بعنوان فراکسیون " جبهه ملی " شناخته میشدند . در گرماگرم‌این جریان رزم آرا توسط یکی‌از فدائیان اسلام (خلیل طهماسبی) در شانزدهم‌اسفند در مسجد شاه ترور شد . با تروررزم آرا مردم به هیجان آمدند و بضادهای موجود به اوج خود رسید . حسین علاء یک کابینه موقت تشکیل داده هنوز چند روز از ترور رزم آرا نگذشته بود که دکتر زنگنه نیز ترور شد . در چنین جوی بود که مرتجعین عقب نشستند و در مجلس که جبهه ملی در آن اقلیتی بیش نبود لایحه ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند سال۲۹ به تصویب رسید . دربار که نمیخواست رسمادر مقابل نظرات امریکا مقاومت کند ازمخالفت رسمی با این جریان خود داری کرد ولی " توشیح " لایحه تادهم اردیبهشت سال ۳۰ به‌تعویق انتاد . در سیزدهم اردیبهشت مصدق برای اجرای قانون ملی شدن‌نفت به‌نخست وزیری رسید و از مجلس رای‌اعتمادگرفت . آمریکا که‌خود را دربدست آوردن‌پیروزی سهیم میدانست امیدواربود که پس‌از خلع ید از شرکت نفت با انگلیس‌تحت شرایط تازه ای

توافق‌کند . پس از خلع ید در ۲۹ خرداد ، در ۲۳ تیر " هاریمن " به ایران آمد و تظاهرات خونین ۲۳ تیر بر پا شد . مصدق به آمریکا جواب مثبت نداد اماهنوز خودرا آنقدر قوی نمی‌دانست که از حمایت آن‌صرف نظرکند . دراینجا همان مانورهای سیاستمدارانه بچشم می‌خورد .نامه های مصدق به ترومن‌وبالعکس نموداری ازاین دیپلماسی است . در این مورد هدف مصدق امپریالیسم انگلیس است و بس . حتی مرتجعین داخلی هدف حملات او نیستند . عناصر آمریکائی مثل زاهدی ، امینی و دیگران و عناصر دست راستی مثل‌کاشانی ، بقائی و مانند آنها با مصدق در یک خط قرار دارند و باتشدید اختلافهای ایران‌و انگلیس و توطئه‌هایی که سفارت انگلیس برضد دولت شروع کرد . بود . دردی ماه ۱۳۳۰ مصدق بعنوان تشدید فشار کنسولگری های انگلیس را بست و تقریبا " مقارن آن مجلس سنا را منحل کرد . مجلس موٴسسان که در سال ۲۸ زیر فشار مرتجعین و در بار برپا شده بود ، بر خلاف قانون اساسی تشکیل مجلس سنا را تصویب کرده بودو در همان شرایط انتخابات آن انجام یافته بود . انحلال مجلس سنا ، سرآغاز درگیری مصدق با مرتجعین راستی و دربار بود بدنبال این اقدامات ، انتخابات دورهٴ هفدهم در بهمن سال ۳۰ انجام‌گرفت ، مصدق به نحوغیر منتظره ای دست مرتجعین را باز گذاشت و بنابراسناد و شواهد مسلم از تقلب در انتخابات و تعویض سند و فی‌مابین شیوهٴ موسوم جلوگیری نکرد حتی‌در اینکار از عناصری‌که در دوره‌های قبلی در این کار تخصص یافته بودند استفاده کرد . هدف این بودکه نمایندگان حزب توده وارد مجلس نشوند . این هدف‌با تعطیل گذاشتن انتخابات در برخی شهرستانها کاملا تامین‌نشد . حزب توده‌که دارای نفوذ و کمیتی زیاد شده و طرفداران نیمه

متشکل زیاد تری داشت . عملا" حتی یک نماینده به مجلس نفرستادو در عوض طرفداران واقعی مصدق در مجلس در اقلیت قرار گرفتند و مرتجعین اکثریت خود را حفظ کردند . این شیوهٔ سازشکارانه طی سالهای ۳۱ ـ ۳۲ مصدق را بامشکلات زیادی روبرو کرد (از جمله در رای اعتمادی‌که مجلس هفدهم به قوام دادو پس از ماجراهای سال ۳۲ که به انحلال مجلس و انجام رفراندم منجرشد) طی ماههای اول سال ۳۱ مبارزه باانگلیس وخنثی کردن فشار اقتصادی و نتایج محاصره اقتصادی ایران از طرف کمپانی های نفتی، تمام نیروی مصدق را به خود اختصاص می‌داد . مصدق برای تامین‌بودجه دولت به محدود کردن واردات و رشد صنایع داخلی متوسل شد و ضمنا" اوراق قرضهٔ ملی منتشر کرد . حزب توده برای توسعهٔ مخالفت با قرضهٔ ملی به هزینه‌های نظامی ونقش مستشاران‌آمریکائی درارتش وخریدتانکهای شرمن آمریکائی که خلق را نابود میسازد متکی شد (۱) (اشاره به ۲۳ تیرو وقایع مانندآن است .)معذالک قرضه ملی از طرف قشرهای خرده بورژوازی (پیشه وران .کسبه‌و کارمندان دولت) و بورژوازی ملی بزرگ و کوچک مورد استفاده قرار گرفت . گرچه مبلغ آن نمی‌توانست نقش تعیین کننده ای‌در موقعیت وخیم اقتصادی ایران داشته باشد ، با همهٔ‌فشارها . مصدق‌موفق شدجلوی‌افزایش قیمتها را بگیرد . در یک‌مورد همینکه‌نرخ‌قند وشکر افزایش بازرگانان مربوط نرخ رابه بهای زیان فروش نگهداشتند ، درسالهای ۳۰

---

(۱) ـ حزب توده در توجیه ایکه چرا دولت شوروی مطالبات ایران در طی جنگ دوم را (مسئله ۱۱ تن کالای ایران) در این موقعیت خطیر تحویل نمیدهد ، بهمین قبیل استدلال ها متوسل میشد .

۳۲ و اقتصاد بودن نفت ، مصدق باعث رشد صنایع داخلی شد و توازن بازرگانی‌خارجی تامین‌شد .با‌این همه‌بروزنارسائی‌های‌مالی درپرداخت‌های دولتی (مثل حقوق‌ها که اغلب بصورت یک دوازدهم تصویب می‌شد) اجتناب ناپذیر بود ، در چنین اوضاع اقتصادی بود که مصدق تقریبا "با انگلیس به دادگاه لاهه رفت . دکتر سنجابی ، و خسرو قشقائی از جمله اعضای هیئت‌نمایندگی ایران بودندکه قبلا "به لاهه رفته بودند . درهمین موقع نفتکش رزماری (ایتالیائی) که‌تحریم خرید نفت ایران را نقض‌کرده بود در عدن بازداشت شد .

مصدق که از لاهه‌برگشت با توطئه های پنهانی امرای ارتش روبروشد ، ازسوی دیگر مصدق که نقش فرماندهان نظامی (رئیس شهربانی ،ژاندرمری و فرمانداری نظامی تهران) را در ایجاد برخورد های خونین و کارشکنی دریافته بود ، در صدد چاره برآمد . مصدق‌تصمیم گرفت حق غیر قانونی شاه را در تعیین وزیر جنگ ملغی سازد و پست وزارت جنگ را بدست خود گرد . در ذهن رجال قدیمی یک مشابهتی بین حرکت مصدق با حرکت رضا خان در سالهای قبل از سلطنت وجود داشت زیرا او نخست وزیر و سردار سپه و وزیرجنگ بود . با این تفاوت عمده که مصدق نظامی نبود و هدفهاو سوابقش جز رضاخان بود . در ۲۶ تیر مصدق بعنوان تهدید استعفا داد .و قوام بجایش آمد . (جریان قیام سی‌ام تیز قبلا بررسی شده است) .

پس از پیروزی مصدق در آخر مرداد ۳۱ مجلس اختیارات مصدق را تصویب کرد که بدون مجلس قوانین را مورد اجرا بگذارد . این اختیارات برای خنثی‌کردن ماهیت ارتجاعی مجلس‌هفدهم ضرورت یافته‌بود .درمهر ماه ۳۱ ایران با انگلیس قطع رابطه کرد .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

تضادهای درونی بسرعت رشد یافته‌بود جناح راست جبههٔ ملی بر سر مشی مصدق بتدریج‌از او فاصله میگرفت . مصدق دید بیطرفی آمریکا را از دست داده و بتدریج آمریکا سیاست فعال تری بر ضد او پیش گرفت . بدربار و امرای ارتش دست به توطئه میزدند ، مصدق عده ای ازمرتجعترین امرای ارتش را بازنشسته کرده بود (با اتکاء بداشتن‌پست وزارت دفاع ، مصدق اسم‌وزارت جنگ را به وزارت دفاع ملی عوض‌کرده بود .) دردی‌ماه اختیارات مصدق‌برای یکسال‌تمدید شد . دیگر از طریق مجلس و مانورهای سیاسی‌ممکن نبود‌مصدق را سرنگون ساخت این بار ارتجاع دست در دست امپریالیزم توطئه نهم اسفند را بوجود آورد . توطئه به این ترتیب شروع شد که شاه‌اعلام کرد که می‌خواهد به اروپاسفر کند . درباری ها (برادران وخواهران شاه‌و دیگر مرتجعین) اوباشرا جمع کردند تا برضد مصدق دست به تظاهرات بزنند . در این روز بود که شعبان بی مخ بخانه مصدق حمله کرده و باز داشت شد ، جبهه ملی‌و حزب توده علیه شاه و امپریالیستها دست به‌تظاهرات‌زدند و تظاهرات خیابانی چند روزادامه یافت . درپایان همین تظاهرات‌بود که خبر فوت استالین پخش شد (۵ مارس ـ ۱۴ اسفند) در سایه حسن روابط حزب توده ، با دولت حزب توده اجازه پیدا کرد که متینگ یادبود استالین را در میدان‌فوریه برگزار کند . این میتینگ با شکوه تمام برگزار شد ولی به حیثیت حزب توده‌نیفزود بلکه به مردم نشان داد که حزب توده هنوز چه وابستگی عمیقی به شوروی دارد .

بدنبال‌توطئه نهم اسفند ، مصدق‌نزدیک به دویست تن از مرتجعین رابازداشت کرد که از جمله آنها غضل الله زاهدی بود ، ارتجاع‌با ضربه‌ای روبروشد ، دیگر از هر طریقی میباید حکومت‌مصدق را سرنگون کرد . ارتجاع

ازهیچ‌عملی فرو گذار نکرد . از یکسو ابوالقاسم خان‌بختیاری را تحریک کرد که سر به شورش بردارد تا نشان نا امنی باشد و دست ارتشی‌ها باز شود و از سوی دیگر در اردیبهشت ۳۲ افشار طوس رئیس شهربانی وقت را که از جانب مصدق به این پست گمارده شده بود روبدند و به قتل رساندند تانا امنی و بی لیاقتی دولت بر همه روشن شود . مقارن این توطئه زاهدی که آزاد شده بود به مجلس متحصن شد واختلاف کاشانی و مصدق به اوج خود رسید ، کاشانی عملا" برای سرنگون کردن مصدق با مرتجعین متحد شد ، کاشانی سرشناسترین چهرهٔ روحانی‌آن دوره بود . آخوندی عوام فریب و سیاست باز بودجاه طلبی او برای همه روشن‌بود . مصدق ازحمایت او بی نیازنبود ونمی‌توانست از آن صرفنظر کند لذا جاه طلبی ها وفرصت طلبی های اورا تحمل می‌کرد ولی کاشانی‌نتوانست تکامل جنبش ضد امپریالیستی را تحمل کند . پس‌از سی‌ام تیر مدق با مرتجعین برخورد های جدی پیدا کرد و در عوض حزب توده به مصدق نزدیکتر شد . کاشانی از جنبش روی گرداند ولی برخوردرسمی مصدق و کاشانی‌چند ماه به تعویق افتاد ،کاشانی دولتی‌دردولت‌مصدق تشکیل داده بود ،خانه آقا در پامنارازیک وزارتخانه فعالتر بود آقازاده ها و میرزاها و روزی برها از صبح تا شام کار چاق کنی میکردند . مهرهای‌کاشانی‌زیر دهها و صدها‌توصیه‌میخورد وبی آنکه خودش همه این توصیه ها را خوانده‌باشد (۱) در هرماه یک گونی توصیه بر سر

---

۱ ــ سنگین ترین‌این توصیه ها ، توصیه ای بود که با مهر کاشانی به رادیو ایران رسیده بود باین مفهوم که " بانو غزال" خواننده رادیو دنباله پاورقی در صفحه بعد .

وازارتخانه هامیریخت ، با اختلافهائی که بروز کرده بودمصدق دستور داد که توصیه های آقا راجمع کنند و به آن وقعی ننهند ، این ضربتی بود به جاه طلبی آیت الله کاشانی که‌جدائی او را از مصدق جلو انداخت . شمس قنات آبادی ملقب به (شمس‌خان‌دار) از دست پروردگان کاشانی‌بود .

مظفر بقائی (برای تحصیلات به فرانسه رفته بود و بعلت عیاشی‌و ولگردی موفق به‌درس خواندن نشده‌بودو بدون گرفتن عنوان از فرانسه باز گشت)اولین دغلکاری او این بود که برای خودش عنوان دکترا جعل کرده بود . رئیس حزب زحمتکشان که آدم خیانت پیشه ، " جاه طلب و فاسدی بود ، ۹ در جریان ملی شدن نفت به مصدق چسبیده بود . خلیل ملکی و همکارانش حزب زحمتکشان و روزنامه ارگان این حزب " شاهد " را به سنگر مبارزه‌باحزب توده تبدیل کرده بودند ، پس ازنزدیکی‌حزب توده به مصدق دیگرحنای این حزب رنگی نداشت و حیثیت حزب روزبه روز رو به نابودی می‌رفت ـ معذالک جدائی بقائی از مصدق درست بخاطر بالا گرفتن موج مبارزه‌ورشدو تکامل آن بود ، بقائی‌در مجلس دست به توطئه زد و سرانجام به درجه پادوئی دربار تنزل یافت . در ۲۸ مرداد بقائی به این افتخار می‌کرد که با زاهدی کودتاچی در همان روز عکس یادگاری بگیرد . حسین

دنباله پاورقی ازصفحه قبل

تهران به خوانندگی بپذیرد . این توصیه را یکی از آقا زاده ها درازای خوشگذرانی به مهر پدر بزرگوار خود رسانده‌بود .

مکی (۱) عنصری توحالی بود که در جریان خلع ید جزو حیات بود . مکی درجریان‌خلع ید " سربازفداکار " نام گرفت ونماینده‌اول‌تهران در مجلس هفدهم بود . مکی نیز در کنار بقائی قرار گرفت بعدها گفته شد که هر دو نفر خریده شده‌اند ، مکی که قبلا " مرد فقیری بود در این جریان توانست سرمایه لازم‌را برای یک زندگی مرفه بهم بزند .همذالک مکی بعدها در برپا کردن جنجالهای ضد مصدقی جدا شدند حائری زاده و عبدالقدیر آزاد بودند که در فرصت‌طلبی از دیگران دست کمی نداشتند ،باین ترتیب پس ازآنکه درهمان ماههای اول عناصری (مثل امینی ، زاهدی) از مصدق‌جدا شدند ، درماههای پس‌از ۳۰ تیر (تقریبا به فاصله دو ماه) گروه مهمی از رهبران‌جبهه‌ملی ازمصدق بریدند و به صف‌دشمن پیوستند . دراین شرایط عناصری مثل عبدالله معظمی وکیل مجلس به دو دوزه بازی دست زدندو مصدق را تنها گذاشتند . با جدائی این عده ،عناصر صادق پابپای تکامل جنبش رشد کردند . در راس این عده حسین فاطمی وزیر امور خارجه قرار داشت . حسین‌فاطمی پیش ازپیوستن به‌مصدق‌سوابق‌همکاری با (انتلیجنت سرویس) را داشت . ولی در پرتو جنبش ملی ، وجدان او بیدار شد و کلیه اسرار این سازمان جاسوسی را که در اختیار داشت به مصدق تسلیم کرد .

---

۱ ــ حسین مکی پیش از شهریور ۲۰ درجه دار ارتش بود . مکی با ملک الشعرابهار آشنا شده مدتی از مریدان او میشود و زیر نظر او تاریخ بیست ساله را تنظیم میکند . عامل معروفیت مکی همین‌تاریخ بیست ساله شدو اورا که فاقد تجارب‌سیاسی و صفتهای ارزنده بود در یک قحط الرجال به معروفیت رساند .

پس از اینکه فاطمی از مصدق صادقانه تبعیت کرد ، با سرعت درجبهه‌ملی رشد کرد . فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز بود که به هیچیک از احزاب جبهه ملی وابستگی نداشت و سخنگوی رسمی جبهه شناخته می‌شد . فاطمی درسال ۳۱ از سوی فدائیان اسلام مورد سوء قصد قرار گرفت و عبدخدائی نوجوان عضوفدائیان‌اسلام‌او را باتیر زد ، ولی‌فاطمی از توطئه زنده بیرون آمد . این تحریکات در حرکت فاطمی تردیدی ایجاد نکردفاطمی‌وزیر امور خارجه مصدق‌بود و تا آخرین روز حیات باو وفادار ماند . دیگر ازافراد صادق جبهه ملی ، دکتر شایگان و مهندس رضوی بودند که از محبوبیت بر خورداربودند و باوا وفادارماندند .الهیارصالح سفیر ایران در آمریکا بود صالح سفیری محافظه کار و حسابگر شناخته می‌شد . گفته شده است‌که صالح در سالهای بحران پیش از کودتا با آمریکا مذاکره‌کرد و اعلام کرده بودکه حاضر است جای مصدق را بگیرد . این ماجرا در مناسبات مصدق باصالح و اطرافیان او در جریان سالهای ۲۹ ــ ۳۲ بی تاثیر نبود . علاوه بر رجال منفرد که مانند خود مصدق از تریبون " دولت "با مردم تماس می‌گرفتند جبهه‌ملی احزابی‌نیز داشت ،علاوه بر حزب زحمتکشان که ذکر آن‌گذشت ، حزب ایران مهمترین جزب جبهه ملی بود ، حزب پان ایرانیزم از جمله احزاب جبهه ملی‌بود که درباره‌ٔ یکایک آنها در پایان این مبحث خواهیم نوشت . درخرداد سال ۳۲ نیز مصدق‌درمانده بود . دولت آنقدرمفلس بود که فوق العاده‌ٔ نیروهائی را که به جنگ ابولقاسم بختیاری فرستاده بود نمیتوانست‌بپردازد و اصلا "قادر نبود حقوق درجه داران افسران را ترمیم کند . این وضع در ایجاد نارضائی در صفوف پائین ارتش اثر می‌گذاشت . مصدق‌برای از بین بردن این ریشه های نارضائی اقدام نمیکرد و در چهار

چوب " قانون" مانده‌بود حال آنکه میتوانست با مانورهائی (۱) درجه داران را از افراد جدا کند ، افسران جزء خود بخود طرفدار اوبودند .بهر حال تصمیم گرفت‌سیصدمیلیون‌اسکناس منتشر کندو " لیبرالهای" . محافظ قانون دست در دست دربار و امپریالیزم این مسئله را وسیله مبارزه با او قرارداده در تیر ۳۲ نمایندگان طرفدار مصدق‌که دراقلیت بودند از مجلس استعفا دادند ولی مجلس همچنان پا بر جا بود . در ۱۲ مرداد مصدق رفراندوم کرد . در این موقع وزیر کشور غلامحسین صدیقی بود که از جمله رجالی بود که بدون هیچ سابقهٔ سیاسی به مصدق پیوسته بود و به او وفا دارمانده و با جنبش پیش رفته‌بود ــ توسل به رفراندم ، بودن هیچ نسبت و سابقهٔ قبلی ، اقدامی انقلابی‌به حساب می‌آمد ، در ۲۵ مرداد انحلال مجلس اعلام شدو همان شب کودتائی شد و بعد از آن کودتای ۲۸ مرداد درخانه خود بود و وقتی دید که دیگر مقاومت فایده ندارد از خانه فرار کرد (از روی بامها) ولی چند روز بعد دستگیر شد .

جمعبندی خصوصیات و روشهای مصدق

۱ ــ مصدق خود باجنبش رشد کرد . در مرحله اول به نقش ارتجاع داخلی کم بها میداد ، ولی در عمل به اهمیت آن پی برد .

---

۱ ــ مصدق می‌توانست حقوق درجه داران را افزایش دهد ولو بزیان بودجه عمومی‌وبه آنها تامین و خانه بدهد . این برنامه میتوانست درست از هنگامی آغاز شودکه مصدق پس از سی تیر پیروز شد و پست وزارت دفاع را بعهده گرفته بود .

۲ ــ علیرغم دگرگونی‌هائی که در روش مصدق بوجود آمد نتوانست پاسخگوی ضرورتهای عصرخود باشد . مصدق در موارد متعددی‌میبایست به دشمن امان ندهد و امکان رشد بیشتری به مردم بدهد پس از سی‌ام تیر میبایست ارتش را تصفیه کند واز روحیه انقلابی مردم برای سرکوبی آنها بهره بگیرد .امرای‌ارتش برکنار و مرتجعان فعال بازداشت شده وعملیاتشان خنثی گردد ــ نحوه بزرگ دیگر ــ مباشاتی است که پس‌از شکست کودتا در نهم اسفند و بخصوص‌در ۲۵ مرداد از مصدق مشاهده میشود .

۳ ــ نقص‌عمده مصدق ، نداشتن سازمان و رابطه متشکل بامردم بود . همچنانکه خواهیم‌گفت ، احزاب جبهه‌ملی ، حزب بمعنی واقعی نبودند ، باشگاههای سیاسی‌ای بودند ، بودن برنامهٔ‌روشن و انضباط‌و مرکزیت ، بنابراین مصدق و همکاران منفردش باتوده ها تماس‌آزاد یکطرفه داشتند .

۴ ــ مصدق علیرغم توطئه گریهای دربار هیچگاه باشاه طرف رسمی نشد (اگر چه اشرف را مودبانه به اروپا تبعیدکرد)احترام مصدق به (مشروطیت) و قانون اساسی در کندی حرکت جنبش و در جهت مبارزه با ارتجاع‌داخلی اثرمی‌گذاشت و به مرتجعین فرصت میداد که در پشت قانون اساسی پنهان شوند .

۵ ــ مصدق تا آخرین روز حکومت خود حاضر نشد رسما " همکاری حزب توده را که تغییر سیاست داده‌بود بپذیرد و به شعار جبهه واحد ضد استعماری به هر نحو که مطابق جنبش بود جواب مثبت بدهد .

۶ ــ روش‌مصدق در اغلب موارد تحت تاثیر آموزشهای بسیار قدیمی رجال ملی قرار داشت و این با محتوای جنبش در آن سالها وفق نمی‌داد . قالبی که مصدق برای مبارزات خود در نظر گرفته بودخود بخود موجب

محافظه کاری او میشد . اما در کنار این کمبودها که در شکست مصدق نقش اساسی داشت مصدق واجد خصوصیات ممتازی بود :

۱ ــ مصدق روحیهٔ توده‌های‌خرده‌بورژوازی (بخصوص در ۲۵ مرداد از مصدق مشاهده‌میشود .

کسبه ، پیشه‌وران ، بازرگانان ، کارمندان) رابخوبی میشناخت و تاکتیکهای خود را باتوجه‌به آن انتخاب میکرد . با همهٔ اینها مصدق درطول مبارزات خود از انگیره های مذهبی شخصا استفاده نکرد و حاضر به تظاهر مذهبی برای جلب نظر توده نشد .

۲ ــ مصدق در انتخاب بین انگلستان و شرکت نفت مشی درستی‌را انتخاب کرد و استفاده‌مصدق از تضادهای امپریالیستی آن دوره عملی بجا بود ، لکن در این مورد روشو نحوهٔ عمل مصدق‌خالی از انتقاد نیست .

۳ ــ مصدق در راه خود پیگیر بود ، گرچه قاطعیت لازم را نداشت ولی به ملت ایمان داشت و این ایمان را تا آخرین لحظه حیات حفظ‌کرد . مصدق دیدگان ناسیونالیستی داشت . و به مفهوم مبارزهٔ طبقاتی وتقسیم ملت به طبقات عقیده‌نداشت ولی‌در حفظ عقایدخود محکم و پا برجا بود .

۴ ــ مصدق با بردن‌مساله نفت بین توده ها مفهوم رابطهٔ استعماری رابه‌مردم‌فهماند و درک اجتماعی ــ اقتصادی‌مردم را درشناخت‌امپریالیزم تکامل داد . همچنان در مقابله با امپریالیزم انگلیس که امپریالیزم حاکم بر خاور میانه بود به جنبش ضد امپریالیستی‌کمک کرد و جنبش ملی ایران را به جهان شناساند .

۵ ــ مصدق با دفاع ازحقوق ملت و اقداماتی که کرده بود در دادگاه نظامی حیثیت جبهه ملی را حفظ کرد مردم که جبهه ملی را در مصدق

می‌شناختند ما دفاع مصدق دردادگاه محکومیت وسپس زندانی کردن او در قله احمد آباد ضعفها و تسلیم طلبی های اکثررهبران جبهه راندیدند در حالیکه این‌مهرشایستگی مصدق رامیرساند که‌عناصر فرصت طلب (مثل صالح،سنجابی ، صدیقی ودیگران) اجازه داد که در پناه حیثیت مصدق برای خود کسب محبوبیت کنند .

درباره‌ٔ احزاب جبهه ملی

حزب ایران درسالهای‌پس‌ازشهریور۲۰ تشکیل‌شد . تشکیل دهندگان این حزب . عناصری لیبرال و اغلب اشراف منش بودند حزب ایران در تمام دوره حیاتش یک باشگاه سیاسی بود یعنی توده های وسیع را بخود جلب نمیکرد ، حتی در اوج جنبش حزب ایران نتوانست‌نیروی عمده ای را جلب کند . وسیع ترین قشر این حزب عناصرروشنفکری بودند که تمایلات آزادیخواهانه‌ٔ ملی داشتند . محافظه کاری حزب ایران به آن امکان میداد که از زیرضربات سهمگین همواره برکنار بماند . این حزب با اینکه درجهت دمکراتیک " با حزب توده و حزب دمکرات متعد شده‌بود عملا "از ضربات ناشی از شکست مصون مانده سرانجام محافظه کاری رهبران حزب دراواخر سال ۳۱ موجب انشعاب درحزب شده . نخشب و رازی از حزب اسلامی) و چنانچه خودشان می‌گفتند سوسیالیستهای خدا پرست ، بوجود آوردند . حزب جدید توانست جوانترین افراد حزب ایران را از آن جدا کند . این حزب پس از ۲۸ مرداد و تشکیل نهضت مقاومت ، نقش مثبت تری از حزب ایران داشت‌محافظه کار ترین رهبران‌جبهه ملی مثل (صالح ، سنجابی ، شاپور و بختیار و بسیاری دیگر) از رهبران این حزب بودند . حزب ملت

ایران برمبنای پان‌ایرانیزم ،حزبی بود با اعتقادات افراطی ناسیونالیستی با تمایلات شبه فاشیستی‌که در حوزه های آن آثارهیتلر و حزب نازی‌آلمان مورد بحث و تعلیم قرار میگرفت. (۱)

این حزب از حزب پان ایرانیزم انشعاب کرده بود (به روایت خود شان حزب پان ایرانیزم پزشکپور از آن انشعاب کرده است؟ داریوش‌فروهر فعالیت خود راز مکتبهای ایرانیزم که بعدها بنام حزب پان ایرانیزم شکل گرفت ، شروع کرد و پس از بروز اختلافات بر سر دربار و مصدق، فروهر جانب مصدق را گرفت ،ولی‌پزشکپورگرایشهای‌شاه‌دوستی خود را حفظ کرد. برخوردهای خیابانی‌توده‌ای هاو جبهه ملی‌ها اغلب بین پان ایرانیست‌ها و افراد سازمان جوانان که زیر سر پوش‌کانون جوانان دمکرات پنهان شده بودند روی میداد. پیرامون پان ایرانیزم عده‌ای از اوباش حرفه ای جمع شده و برخوردها راحتی بکشتار میکشاندند، از این جمله گروهی بود که خود را آورگان پان ایرانیزم " مینامید. امیر موبور (زرین کیا) در راس‌این عده قرارداشت.این گروه که‌بسیار بدنام و شرور بود، از هر دو جناح حزب پان ایرانیزم رانده‌شده بود. مسئولیت اعمال آنها به عهدهٔ حزب نبود. از جمله اقدامات‌حزب ملت ایران (فروهر) حمله به خانه کاشانی در سال ۳۲ بودکه منجر به قتل یکی از کسانیکه در خانه کاشانی بودند شد. پس‌از

---

۱ ـ مراسم و تشریفات این حزب نشانی از این تمایلات بود یکدیگر را "سرور" خطاب می‌کردند و به سبک هیتلری سلام می‌کردند .سلامشان پاینده ایران " بود. شعا حزب "فلات ایران به زیر یک " پرچم بود.

بروز اختلاف بین بقائی و مصدق ، خلیل ملکی و همکارانش نمی‌توانستند درحزب زحمتکشان بمانند ، بقائی که صاحب امتیاز حزب و روزنامهٔ شاهد بود اجازه نمی‌داد مطلبی بر خلاف میلش نوشته شود ، ملکی و یارانش در حالیکه تشکیلات و تعلیمات حزب را در دست داشتند ناچار به تبعیت‌از بقائی بودند سرانجام در جریان قتل افشار طوس ، ملکی از حزب جداشد و حزب‌زحمتکشان (نیروی سوم) را ایجاد کرد . این حزب گرچه بطور کلی طرفدارمصدق بود و لی‌هدفهای ضد توده‌ای خود را همچنان ادامه میداد . پس از۲۸ مرداد بر سر روشی که‌حزب می‌بایست در مقابل دولت پیش‌گیرد دراین حزب انشعابی روی‌داد و جناح طرفدار مصدق را که دکترمحمد علی خنجی در راس آن بود از ملکی‌جدا شد و در نهضت مقاومت شرکت کرد . حال آنکه ملکی به نحوی سیاست بازانه و عالم نمایانه ، رژیم را تائید میکرد . بعدها خنجی در جبهه ملی دوم نقش ارتجاعی خود را ایفا کرد . حزب ملت‌ایران که‌جوانترین نیروی جبهه ملی بود پس از کودتا در نهضت مقاومت شرکت کردوجزو اولین جریانهائی بود که همکاری ضمنی باتوده‌ای ها را پذیرفت و در ماههای پس از کودتا . افراد آن علیرغم برخوردهای خشن با افراد حزب بخصوص سازمان جوانان عملا" در فعالیتها همکاری می‌کردند .طی سالهای‌بعدنیزاغلب (نه‌همیشه) فروهر و همکاران نزدیکش این مشی را ادامه دادند و با عناصر بطور کلی کمونیست همکاری ضمنی داشتند . در پایان‌این مبحث‌به موقعیت‌مهدی بازرگان‌و همکارانش اشاره‌ای میکنیم .

بازرگان از جمله منفردین‌جبهه‌ملی بودکه از همان نخست اعتقادات مذهبی را با اعتقادات سیاسی آمیخته بود . بازرگان رئیس هیئتی بود که

برای خلع ید شرکت نفت ایران انگلیس به خوزستان رفت و این عمل تاریخی را باموفقیت به انجام رساند ، در همین جریان یک دندگی مذهبی بازرگان ناراحتی کوچکی فراهم کرده بودکه به دستور مستقیم مصدق حل شد (مسئله بر سر مشروبات الکلی شرکت نفت بود که بازرگان قصد انهدام آنرا داشت ولی مصدق ازجنبه اقتصادی با این کار مخالفت میکرد) مادامی که آیت الله کاشانی بامصدق همکاری میکرد عناصر مذهبی بخصوص بازاریان چشم به او دوخته بودند ولی پس ازجدائی کاشانی از مصدق یکبار حیثیت او در پیش اکثریت قاطع بازاریان نیزاز بین رفت . باهمهٔ اینها در غیاب کاشانی هم بازرگان توانست چهرهٔ محبوبی برای توده ها شود . خصوصیات بازرگان با موفقیت مطابقت نمیکرد ،مادامی که مصدق و فاطمی ازنظر سیاسی در جلو توده ها قرار داشتند ، میدانی برای این فرد نسبتا فرصت طلب و متعصب مذهبی باقی نمی‌ماند .ولی پس از ۲۸ مرداد که عناصر سطحی و " هوچی " از میدان خارج شدند و پای ایستادگی به میان آمداستواری و تعصب مذهبی بازرگان جای خودرا درچین گروهی از عناصر جبهه ملی باز کرد . این ترتیب بازرگان و همکارانش (مثل سنجابی طالقانی و بعدها شیبانی) در ایجادو ادامهٔ نهضت مقاومت ، نقشی موثر بازی کردند . ارزیابی فعالیتهای احزاب جبهه ملی نشان میدهد که این احزاب در جنبش ملی دارای نقش تعیین کننده ای نبودندومصدق وهمکارانش بدون داشتن یک سازمان متشکل سیاسی جنبش را رهبری می‌کردند . همانطورکه یاد شد این بزرگترین کمبود جنبش در جناح ملیون بود .

مختصری درباره‌ٔ فدائیان اسلام

نواب صفوی‌مردی مذهبی بود که قادربه جذب عناصر ساده با ایمان مذهبی بود ، نواب عقاید خود را از اخوان المسلمین تقلید کرده بو . و حکومت شرعی اسلام را تبلیغ میکرد . نواب صفوی در مخالفت با کسروی معروفیت یافت و با قتل کسروی توسط امامی ترورهای فدائیان اسلام شروع شد . نواب شخصا " مردی صادق‌و پرهیز کار نبودوی عده‌ای را که مجذوب عقاید او بودندبدور خود جمع کرده بود . مهمترین ترور فدائیان اسلام تروررزم‌آرا بود که درست در موقع او جیگری‌جنبش ودریک موقعیت‌تاریخی انجام شد و زشت ترین آنها سوء قصد به دکتر فاطمی همکار مصدق بود . قتل کسروی‌یکی از ترورهای زشت فدائیان‌اسلام بود .آخرین ترور فدائیان اسلام سوء قصد به حسین علاپیش از عزیمت به بغداد در سال ۳۴ بود که موجب تعقیب‌جدی فدائیان اسلام از طرف دولت علا " شد . در ۳۱ دیماه ۱۳۳۵ نواب‌صفوی و سه نفر دیگر (خلیل طهماسبی ، ذوالقدر ، واحدی) اعدام‌شدند ، در میان فدائیان اسلام ، برادران واحدی از دیگران صادق تر بودند .

بعد ها بقایای فدائیان اسلام با گروهی بنام هیئت موتلفه) ادغام شدند و درسال ۴۳ (اول بهمن) حسنعلی منصورنخست وزیر وقت را ترور کردند . که موجب اعدام چهار نفر از ایشان شد .

ترورهای فدائیان اسلام (بجز در مورد رزم آرا و تا حدی هژبر) نتیجه ای‌در جریانهای سیاسی موجود ببار نیاورد و واجد تمام صفات‌ترور کور میباشد . فدائیان‌در طول حیات‌خود چند ترور انجام دادند که اغلب با هم فاصله های زیادی‌داشت .این نشان دهندهٔ ماهیت این ترورهاست .

مختصری دربارهٔ احزاب دستگاه حاکمه

پس از شهریور ۲۰ همانطور که حزب توده و احزاب و دستجات ملی بوجود آمدند ، احزاب ارتجاعی نیز علم شدند . مهمترین حزبی که طی دوزاده سال ازجانب مرتجعین ایجادشد حزب دمکرات قوام بود که میبایست در مقابل حزب توده قد علم کند . این حزب از همه امکانات دولتی وارتش برخوردارمیشد و برای صحنه سازی حتی در دمونستراسیونهای آن از نوعی اونیفورم و اسبهای ارتشی استفاده میشد . معذالک این حزب نمیتوانست کوچکترین نفوذی در مردم بکند ، با او جگیری جنبش ضد امپریالیستی ، برای مقابله با حزب توده که مخفی بود و از سازمانهای علنی استفاده میکرد ، اول حزب " سومکا " و بعد حزب آریا بوجود آمد . حزب سومکا را که مخفف " سوسیالیزم ملی کارگران ایران " بود منشی زاده از هیتلری های سرشناس تاسیس کرد .حزب سومکا اونیفورم سیاه با بازو بند و ساطور دست می گرفت لا به سبک هیتلری ها سلام می دادند و مبارزه با کمونیستها هدف آنها بود . این حزب در تهران بیش از صد نفر عضو نداشت و از دربار کمک میگرفت . در خیابانها به کسانیکه روزنامه های توده ای می فروختند حمله میکردند و در مجرای ۲۳ تیر و آذر و ۸ فروردین قدرت غائی میدان پیدا کرده بود . حزب آریا توسط سپهری نامی تشکیل شده بود که قبلا " از همکاران منشی زاده بود . (۱) گویا سر نفت بین آنها اختلاف افتاده بود . او نیفورم آریائی ها ، ارتشی رنگ بود و فرم و لباس و آرایششان متفاوت از سومکائی ها بود . نحوهٔ عمل و حرکات هر دو یکی بود . باشگاه حزب سومکا در خیابان

---

۱ ــ جالب بود که منشی زاده یک پا داشت و سپهری هم کور بود .

خانقاه ری که آنجا راباسنگ سیاه ومحافظ بصورت قلعه ای در آورده بودند و حتی در چند مورد کسانی را ربوده و به آنجا بردند و شکنجه کردند . باشگاه آریایی ها در خیابان ژاله (مقابل مدرسه اتحاد یهودی ها) بود . در جریان ۲۸ مرداد حزب آریا به باشگاه حزب مردم ایران که در خیابان ژاله مقابل بیمارستان شفا بود حمله کرد و آنرا به تصرف خود در آوردودر آنجا مستقر شد .

ملکه اعتضادی (از معروفه های دربار) نیز حزبی بنام ذولفقار داشت . از این قبیل دسته ها باز هم وجود داشت . این احزاب ازدربارکمک می گرفتند و در ۲۸ مرداد نقشی هم بعهده گرفتند .

علاوه براینها از چندماه پس ازسی ام تیر ۳۱ شعبان بی مسخ و دارو دسته اش در یک سو و طیب و دارو دسته اش از سوی دیگر در صف دربار قرار گرفتند و نقش این دو بخصوص نقش طیب (از جهت تسلطی که به میدان و جنوب شهرداشت) بمراتب از احزاب سومکا وآریا و امثال آن در بر پا کردن ۲۸ مرداد بیشتر بود .

پایان بخش اول " تاریخ سی ساله

۹۰ ریال

ULB Halle 3
008 905 916

شماره ثبت ۱۹۸۳
۳۷/۸/۶

21
WA
285

تهران - پیچ شمیران کوی آبتین پلاک ۲۶۴ ساختمان ناظمی

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19

تاریخ سی ساله ایران

نوشته :

ب ـ جزنی

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1761452657-19